NobonyadOnline NobonyadOnline
NobonyadOnline.ir

سه شنبه ۳ آذر ۱۴۰۵
سال اول ■ شماره ۱۹۴
۸ صفحه ■ ۱۰۰۰۰ تومان

نوبنیاد

روزنامه سراسری صبح ایران

سناریوسازی علیه نمایندگان انقلابی



حواشی اخیر مجلس بر سر محرومیت حجت‌الاسلام حمید رسایی از دسترسی به تبلت و ایفای وظایف نمایندگی، به لغو جلسه علنی و شکل‌گیری روایت‌های متناقض درباره علت این اتفاق انجامید. در حالی که برخی نزدیکان رئیس مجلس تلاش کردند تعطیلی صحن را به نمایندگان اعتراض نمایندگان انقلابی نسبت دهند، اظهارات نمایندگان حاضر در ماجرا و حتی اطلاعیه روابط عمومی مجلس نشان می‌دهد تصمیم به لغو جلسه از سوی هیأت‌رئیسه اتخاذ شده و نمایندگان معترض اساساً خواهان برگزاری جلسه بوده‌اند.

۲



اجرای بی‌سروصدای زنگه‌زور امریکایی

واشنگتن برای تغییر موازنه قدرت در قفقاز جنوبی نقشه کشیده است

۶

مراقب روایت‌های عبور از ولایت باشید!

آزاده محمودیان
روزنامه‌نگار

باید از ولایت فقیه و تمام شئون آن محافظت کرد. باید سد کج روایت‌های شبهه‌افکن و تردیدساز را شکست و با روایت صحیح و استدلال قویم، راه برآنان که کمر به تضعیف و تخریب ولایت بسته‌اند، بست. اگر تیر روایتی به قلب اذهان عمومی پرتاب می‌شود و در ادراک دقیق ولی فقیه از شرایط کشور و شناخت دشمن، شبهه می‌افکند، باید بی‌درنگ زبان به تحلیل و تبیین رأیِ ولی گشود؛ به خصوص اگر راویان، سابقهٔ «دروغ‌گویی» و «افترا» به شخص ولی فقیه را داشته باشند. اینکه جایگاه راویِ کذّاب چیست، مهم نیست؛ اینکه تخریبِ جایگاه ولی فقیه، بی‌پاسخ بماند، فسادزاست.

متن کامل در صفحه ۳



معاون سیاسی دفتر رئیس جمهور در دولت شهید رئیسی؛

همسایگان شریک محاصره آمریکا، شریک تجاوزند

۳

رسانه‌های غربگرا ساترا را زیر ضرب گرفته‌اند

حمله به سنگر فرهنگ

۸

اقتصادی | صفحه ۴

۹۰۰ میلیون دلار ارز برای لوکس‌سواران!

عضو کمیسیون صنایع و معادن مجلس، با بیان اینکه مافیای خودرو متشکل از سیاست‌های اشتباه متولیان است، گفت: مافیا شخص نیست، بلکه مجموعه‌ای از سیاست‌های اتخاذشده توسط مسئولان مربوطه است.

سیاسی | صفحه ۳

موساد و سیا در تدارک کودتای جدید

مجموعه مواضع مقام‌های آمریکایی و اسرائیلی، گزارش رسانه‌های عبری و تحلیل اندیشکده‌های غربی نشان می‌دهد که پروژه تغییر نظام در ایران، پس از ناکامی در جنگ ۴۰ روزه، وارد مرحله‌ای پیچیده‌تر شده است.

خبر کوتاه

روایت جلیلی از مأموریت علمی مرحوم گلشنی در مسیر تمدن اسلامی

سعید جلیلی نماینده رهبر معظم انقلاب در شورای عالی امنیت ملی درباره مأموریت‌های علمی مهدی گلشنی گفت: اگر انقلاب اسلامی را یک حرکت تمدنی بدانیم، این حرکت به سرداران و عالمانی نیاز دارد که بتوانند نگاه دینی را در عرصه‌های مختلف بروز و ظهور دهند، آن را امتداد ببخشند و در مسیر شکل‌گیری تمدن اسلامی به کار گیرند. وی افزود: وجه تمایز و امتیاز ویژه دکتر گلشنی این بود که عمر خود را صرف تبیین رابطه علم و دین کرد و در این مسیر، به‌ویژه با ارتباط خوبی که با عالمان برجسته دینی داشت، توانست موفقیت‌های ارزشمندی به دست آورد. جلیلی تصریح داشت: فعالیت‌های دکتر گلشنی به مرزهای ایران محدود نماند و او در سطح جهانی نیز با عالمانی از کشورهای مختلف در زمینه پیوند علم و دین همکاری‌های مؤثری شکل داد؛ موضوعی که آثار و تألیفات متعدد ایشان گواه این تلاش‌هاست.

۴ هسته تروریستی-تجزیه‌طلب زیرضرب وزارت اطلاعات

روز گذشته، اداره کل اطلاعات استان آذربایجان غربی طی اطلاعیه‌ای اعلام کرد: اعضای چهار هسته مسلح گروهک تجزیه طلب که در راستای طرح صهیونیستی و آمریکائی، در حال سازماندهی برای اقدامات تروریستی و ناامنی در داخل کشور بودند، در تور اطلاعاتی سربازان گمنام امام زمان (عج) قرار گرفته و همه ۲۷ تروریست عضو این هسته‌ها شناسایی و بازداشت شدند. از این هسته‌های تروریستی ۵۲ قبضه سلاح کلاشینکف، ۹۴ تیغه خشاب به همراه یک دستگاه استارلینک کشف و ضبط شد. هسته‌های منهدم شده، دارای بخش‌های پنج گانه‌ی جاسوسی، عملیاتی، تبلیغاتی، پشتیبانی و مالی بوده که ضمن انتقال سلاح از مناطق مرزی، در انتقال استارلینک به شهرهای داخل کشور برای کمک به دشمن متجاوز آمریکایی صهیونیستی نیز شرکت داشته‌اند. همچنین ۶ عضو سه تیم قاچاق سلاح و مهمات از کشورهای همسایه برای عملیات‌های تروریستی و جنگ شهری، هنگام ورود به کشور شناسایی و دستگیر شدند. یکی از این افراد، تبعه کشور خارجی می‌باشد. از این تیم‌های قاچاق سلاح، تعداد ۲۰۱ قبضه سلاح کلت کمری و سلاح شورشی به همراه یکصد خشاب اضافه کلت کشف و ضبط شد.

علاوه بر این روز گذشته نیز اموال ۵۰ نفر به اتهام اقدامات ضد امنیتی توقیف شد. دادستان عمومی و انقلاب ری در اینباره با اشاره به تداوم فعالیت دستگاه قضایی در روزهای جنگ، از توقیف اموال و دارایی‌های ۵۰ نفر در ارتباط با اقدامات ضد امنیتی و صدور احکام قضایی برای شماری از اغتشاشگران خبر داد.

سردار رادان: اجازهٔ بروز و ظهور هیچ فتنه‌ای را نخواهیم داد

روز گذشته، سردار رادان، فرمانده کل نیروی انتظامی جمهوری اسلامی ایران گفت: ایران از امن‌ترین کشورهای جهان در حوزهٔ امنیت اجتماعی و انتظامی است. از کثیف‌ترین آدم‌ها، کثیف‌ترین کارها هیچ دور نیست. کشوری که در دنیا و در طول تاریخ به استفاده از بمب‌های کثیف شهره است، می‌خواهد کشور عزیز ما را به استفاده از این بمب‌ها متهم کند. دروغ‌های پی‌درپی دشمن آن‌قدر رسوا شده که مردم این دروغ را باور نخواهند کرد و نخواهند پذیرفت.

روایت نمایندگان حاضر در صحن نشان می‌دهد ادعای تعطیلی مجلس توسط منتقدان قالیباف، کذب محض است

سناریوسازی علیه نمایندگان انقلابی

حواشی اخیر مجلس بر سر محرومیت حجت‌الاسلام حمید رسایی از دسترسی به تبلت و ایفای وظایف نمایندگی، به لغو جلسه علنی و شکل‌گیری روایت‌های متناقض درباره علت این اتفاق انجامید. در حالی که برخی نزدیکان رئیس مجلس تلاش کردند تعطیلی صحن را به نمایندگان اعتراض نمایندگان انقلابی نسبت دهند، اظهارات نمایندگان حاضر در ماجرا و حتی اطلاعیه روابط عمومی مجلس نشان می‌دهد تصمیم به لغو جلسه از سوی هیأت‌رئیسه اتخاذ شده و نمایندگان معترض اساساً خواهان برگزاری جلسه بوده‌اند.



جعفر کاظمی
روزنامه‌نگار

حواشی اخیر مجلس پیرامون اعتراض نمایندگان به وضعیت ایفای وظایف نمایندگی حجت‌الاسلام رسایی، که در نهایت به لغو جلسه و تعطیلی صحن انجامید. با بازتاب‌های متعددی همراه بود. با این حال، برخی از این روایت‌ها و برداشت‌ها با واقعیت‌های رخداده در صحن مجلس همخوانی نداشتند. «تعطیل شدن مجلس توسط نمایندگان انقلابی» از جمله مهم‌ترین روایت‌های غلطی بود که در رسانه‌ها بازنشر یافت. این موضوع روایتی بود که یکی از نزدیکان رئیس مجلس منتشر کرد. روایتی که دلیل تعطیلی صحن را نمایندگان منتقد قالیباف معرفی می‌کند و در عین حال تعبیر دیکتاتوری انقلابی نما را به این نمایندگان منتسب کرده است. با این حال و با مروری بر مواضع نمایندگانی که در صحن مجلس حاضر بودند و جزئیات این ماجرا را منتشر کردند، مشخص شد که آنچه که برخی از نزدیکان رئیس مجلس روایت کرده اند نه تنها مطابق با واقعیت نیست بلکه اساسا کذب است.

روز گذشته، مهدی کوچک‌زاده، نماینده مردم تهران طی توضیحاتی به شرح ماجرای رخ داده پرداخت. کوچک زاده درباره جزئیات ماجرای تعطیلی مجلس گفت: روند اعتراض نمایندگان به قطع بودن تبلت رسایی عادی بود تا اینکه یک فرد غیرنماینده گُت خود را برای دعوا درآورد و شروع به فحاشی رکیک کرد!

وی با بیان اینکه حراست مجلس باید همانجا او را بازداشت می‌کرد و تحویل مقامات قضایی می‌داد؛ تصریح کرد: حراست مجلس نباید به فرد غیرنماینده‌ای که حاشیه‌سازی ایجاد کرده بود، اجازه میداد که به راحتی او مجلس را ترک کند.

نماینده مردم تهران ضمن رد ادعاها و روایت‌های غلط درباره علت تعطیلی مجلس اظهار کرد: ما نمایندگان مخالف تعطیلی جلسه مجلس بودیم اما بعد از فحاشی‌های آن فرد، هیات رئیسه دید فضا متشنج شده و نمی‌تواند جلسه را شروع کند. ریشه این اتفاقات این است که هیات رییسه مجلس آیین نامه و قانون خود را زیر پا گذاشته و مجلس را سلیقه‌ای اداره می‌کند؛ این کارها مقدمه ظهور دیکتاتوری است.

علاوه بر این، سیدمرتضی محمودی، نماینده مردم تهران دراینباره نوشت: لغو جلسه مجلس بدلیل اصرار بر مسدود ماندن تبلت آقای رسایی و نگرانی از حضور و نطق این نماینده مجلس در صحن مجازی بود.

گفتنی است که پس از انتشار اخبار ضد و نقیض درباره ماجرای حواشی حمایت نمایندگان از حجت الاسلام رسایی، با علی خضریان، نماینده مردم تهران تماس گرفته بودیم تا جویای جزئیات ماجرا روشن‌تر شود. خضریان در گفتگو با نوبنیاد و با انتقاد از روایت های غلطی که از این ماجرا در رسانه‌ها پخش شد، اظهار کرد: با عدم برگزاری جلسه صحن، فضایی ایجاد شد که عده‌ای بتوانند حرف و روایت غیرواقع را به بیرون مخابره کنند. وی با تاکید بر اینکه در این ماجرا هیچ گونه اتفاق فیزیکی و سر و صدا میان نمایندگان مجلس شکل نگرفته است، اظهار داشت: حتی ماجرا آنقدری بدون حاشیه پیش رفته بود که آقای نیکزاد، رئیس جلسه به بنده گفتند: علی خیلی مردی! و این گواه فضای آرام و بدون حاشیه‌ای است که در جلسه ما و نیکزاد وجود داشت.

نماینده مردم تهران در همچنین، اظهار کرد: زمانی که هیچ حاشیه‌ای در جلسه میان بنده و رئیس جلسه شکل نگرفته است، چطور برخی روایت‌های دروغ و غیرمطابق با واقع ارائه می‌کنند؟ و نسبت هایی را به بنده و نمایندگان میدهند که در واقع چنین چیزی رخ نداده است.

قابل ذکر است که در واکنش به همین موضوع نیز روابط عمومی مجلس نسبت به اتفاقات رخ داده اطلاعیه‌ای صادر کرده است. در این اطلاعیه آمده است: «پیش از آغاز رسمی جلسه، حجت‌الاسلام حمید رسایی، نماینده مردم شریف تهران، ری، شمیرانات، اسلام شهر و پردیس در مجلس، به همراه چند نفر از نمایندگان در محل برگزاری جلسه حاضر شدند و نسبت به مسدود بودن دسترسی تبلت وی برای شرکت برخط (وبیناری) در جلسات علنی مجلس اعتراض کردند که بسته بودن دسترسی تبلت، عدم پایان دوره محکومیت قضایی و سپری شدن دوره مرخصی ایشان عنوان شده است. در ادامه، نمایندگان معترض اعلام کردند در صورت برگزاری جلسه علنی بدون برقراری دسترسی حجت الاسلام رسایی به تبلت، اعتراض خود را در صحن مجلس ادامه خواهند داد. در نهایت، هیأت رئیسه ... تشخیص داد جلسه علنی و برخط امروز برگزار نشود.»

مجموع روایت‌های نمایندگان و حتی اطلاعیه روابط عمومی مجلس حاکی از این موضوع است که نمایندگان منتقد به هیچ وجه به دنبال تعطیلی مجلس نبوده‌اند و صرفا محور اعتراضات، به محروم شدن غیرقانونی یک نماینده از ایفای وظایف نمایندگی برمی‌گردد. بنابراین مشخص نیست که چرا برخی از نزدیکان رئیس مجلس به دنبال حاشیه‌سازی و تهیه خوراک تخریب برای رسانه‌های ضدانقلاب درآمدند؟! از سوی دیگر، نزدیکان رئیس مجلس به گونه‌ای از تعطیلی صحن توسط حامیان حقوق نمایندگی حجت‌الاسلام رسایی، انتقاد داشتند که گویی فراموش کرده‌اند مطالبه بازگشایی صحن پس از ۸ ماه تعطیلی، از سوی همین نمایندگان مطرح شده بود. به بیان دیگر، اینکه حامیان تعطیلی ۸ماهه صحن، از یک روز تعطیلی که آن هم به تصمیم هیأت‌رئیسه برمیگردد، انتقاد کردند! تناقضی عجیب و قابل تأمل است.

انتشار اخبار کذب درباره رسایی

درپی حواشی اخیر صحن مجلس، ظهر روز گذشته، برخی از رسانه‌های یک جریان خاص اخباری مبنی برعدم بازگشت رسایی به زندان اوین با وجود اتمام مهلت مرخصی منتشر کردند. که این موضوع توسط حجت الاسلام رسایی تکذیب شد.

جمشیدی: همسایگان شریک محاصره آمریکا، شریک تجاوزند



روز گذشته، محمد جمشیدی، معاون سیاسی دفتر رئیس جمهور در دولت شهید رئیسی و تحلیلگر مسائل سیاسی گفت: سیاست آمریکا در حال حاضر بر محاصره دریایی و زمینی ایران متمرکز شده و بخش مهمی از اجرای این سیاست نیز از طریق کشورهای همسایه دنبال می‌شود. بر همین اساس سیاست جمهوری اسلامی ایران به‌صورت رسمی ابلاغ شده که هر کشوری، از جمله همسایگان، در اجرای سیاست محاصره آمریکا همراهی کند، با این محاصره که تفاوتی با جنگ ندارد، به‌عنوان شریک متجاوز شناخته خواهد شد و باید هزینه این همراهی را بپردازد.

این تحلیلگر مسائل سیاسی افزود: به‌طور خاص، عراق و ترکیه کشورهایی هستند که مردمشان پیوندهای برادرانه و ارتباطات نزدیکی با ملت ایران دارند. این پیوندها در مناسبت‌های مختلف، از جمله مراسم تشییع رهبر شهید، به‌خوبی نمایان شد.

وی ادامه داد: انتظار جمهوری اسلامی ایران از دولت عراق و مسئولانی که در شکل‌دهی به سیاست‌های این کشور نقش دارند، این است که در سیاست محاصره آمریکا علیه ایران همراهی نکنند و با نگاه ملت خود همراه باشند.

این عضو هیات علمی دانشگاه گفت: این ننگ نباید پذیرفته شود که یک دولت شیعه در برابر دولت شیعه یک کشور همسایه و یک ملت برادر، در چارچوب سیاست‌های آمریکا قرار بگیرد.

جمشیدی افزود: همچنین نباید تصور شود که ورود به بازی‌های میانجیگری و ایفای نقش‌های دیپلماتیک می‌تواند این مسئله را جبران کند یا وجهه‌ای متفاوت به آن ببخشد؛ این موضوع در محاسبات جمهوری اسلامی ایران جداگانه ارزیابی می‌شود و همراهی با سیاست محاصره آمریکا، با هیچ نقش دیگری قابل جبران نخواهد بود.

رئیس دولت صلاحیت ایجاد نهادهای فراقوه‌ای را ندارد

ایرادی فراتر از موازی‌کاری

مرتضی پورسلطانی
پژوهشگر حقوق عمومی

اظهارنظر اخیر فقهای شورای نگهبان درباره مغایرت شرعی مصوبه «ایجاد ستاد ویژه ساماندهی و راهبری فضای مجازی»، بار دیگر مسئله حدود اختیارات رئیس جمهور در ایجاد ساختارهای حکومتی و مداخله در صلاحیت سایر نهادها را به موضوع روز حقوق عمومی تبدیل کرده است.

در ۲۲ اردیبهشت ۱۴۰۵، رئیس جمهور با صدور حکمی، معاون اول خود را با حفظ سمت به ریاست «ستاد ویژه ساماندهی و راهبری فضای مجازی کشور» منصوب کرد. مطابق سند پیوست این حکم، ستاد مذکور با حضور جمعی از مقامات دولتی و عمومی، از جمله وزرای مرتبط، دبیر شورای عالی فضای مجازی، رئیس سازمان اطلاعات سپاه، دادستان کل کشور و یک نفر نماینده مجلس تشکیل شد. برای این ستاد نیز مأموریت‌هایی نظیر تدوین و اجرای نقشه راه جامع تحول در حکمرانی فضای مجازی، ساماندهی ساختارهای تصمیم‌گیر، هماهنگی بین دستگاهی و نظارت راهبردی بر عملکرد دستگاه‌ها پیش‌بینی شد.

ایجاد این ساختار که از همان ابتدا با اعتراضاتی مواجه شده بود، در پی شکایت‌های مطرح‌شده در دیوان عدالت اداری، ابتدا با صدور دستور موقت توقف اجرا مواجه شد؛ اما دیوان عدالت اداری در رسیدگی نهایی خود، با استناد به اصلاح سند از سوی رئیس جمهور و تبدیل تصمیمات ستاد به پیشنهادهایی برای اتخاذ تصمیم نهایی توسط رئیس جمهور، رأی به رد شکایت صادر کرد. البته این رأی در همان زمان نیز با انتقاداتی مواجه شد. در ادامه شکایت دیگری به خواسته ابطال مصوبه فوق از حیث مغایرت با شرع نزد دیوان عدالت اداری مطرح گردید که به موجب قانون موضوع برای اظهارنظر فقهای شورای نگهبان ارسال گردید. فقهای شورای نگهبان، با توجه به جایگاه شورای عالی فضای مجازی به عنوان یک نهاد ایجاد شده با حکم مقام معظم رهبری و ممنوعیت ایجاد ساختارهای موازی با آن، مصوبه ایجاد ستاد را مغایر شرع تشخیص دادند.

موازی‌کاری نهادی؛ مسئله بر سر صلاحیت‌هاست، نه عنوان‌ها

برای فهم مبنای نظر فقهای شورای نگهبان، ابتدا باید جایگاه شورای عالی فضای مجازی و مرکز ملی فضای مجازی را شناخت. شورای عالی به موجب حکم ۱۷ اسفند ۱۳۹۰ مقام رهبری، با اختیارات کافی و به عنوان «نقطه کانونی متمرکز» سیاست‌گذاری، تصمیم‌گیری و هماهنگی در فضای مجازی کشور تشکیل شد. در کنار آن، مرکز ملی فضای مجازی به عنوان بازوی شورا شکل گرفت تا زمینه تصمیم‌سازی را فراهم کند و بر اجرای تصمیمات شورا نظارت داشته باشد. در حکم ۱۴ شهریور ۱۳۹۴ نیز بر جایگاه فراقوه‌ای و محوری شورای عالی تأکید شد و انحلال شوراهای عالی موازی و انتقال وظایف آن‌ها به این شورا مورد تصریح قرار گرفت. بر این اساس، سیاست‌گذاری و تعیین جهت‌گیری‌های کلان بر عهده شورای عالی است و مرکز ملی وظایف کارشناسی، برنامه‌ریزی، هماهنگی و نظارت بر اجرای سیاست‌ها و مصوبات را دنبال می‌کند. در همین راستا بند «ت» ماده (۶۵) «قانون برنامه هفتم پیشرفت» نیز شورای عالی فضای مجازی را به عنوان مرجع سیاست‌گذاری، تصمیم‌گیری و هماهنگی در موضوعات فضای مجازی شناخته شده است.

با روشن شدن این تقسیم کار، می‌توان نسبت مأموریت‌های ستاد جدید را با وظایف این دو نهاد سنجید. از یک سو، تدوین نقشه راه تحول در حکمرانی فضای مجازی و بازآرایی ساختارهای تصمیم‌گیری، با مسئولیت شورای عالی در تعیین سیاست‌ها و تصویب اقدامات کلان تحول ساختاری و طراحی نظام تنظیم‌گری تلاقی دارد. از سوی دیگر، ساماندهی و ارتقای کارآمدی دبیرخانه شورای عالی و مرکز ملی، به ساختار و کارکرد نهادهایی مربوط می‌شود که جایگاه و وظایفشان در احکام و اسناد بالادستی تعیین شده است. همچنین مأموریت ستاد برای استقرار نظام نظارت راهبردی و پایش عملکرد دستگاه‌ها، با وظایف نظارتی و ارزیابی مرکز ملی هم‌پوشانی دارد. این تداخل وظایف در مصوبات صادره از سوی ستاد نیز به خوبی مشهود است؛ به‌طوری که در موضوع شبکه ملی اطلاعات، سیاست‌گذاری و تعیین الزامات کلان این شبکه در صلاحیت شورای عالی و نظارت مستمر بر راه‌اندازی و بهره‌برداری از آن از وظایف مرکز ملی است؛ بنابراین تشکیل «کمیته راهبری شبکه ملی اطلاعات» ذیل ستاد، به جهت ورود به این حوزه‌ها، دست‌کم بخشی از صلاحیت‌های مرکز ملی را تکرار می‌کند. افزون بر این موارد، سایر مأموریت‌های ستاد، از جمله تدوین و پیشنهاد راهبردها و برنامه‌های کلان فضای مجازی، طراحی و استقرار نظام هماهنگی بین دستگاهی، سیاست‌گذاری در حوزه امنیت فضای مجازی و مقابله با تهدیدات، هدایت توسعه خدمات دیجیتال و تنظیم‌گری سکوها و پیشنهاد اصلاح قوانین، مقررات و ساختارهای مرتبط نیز، بسته به نحوه اعمال و دامنه اجرای آن‌ها، با وظایف و صلاحیت‌های محول‌شده به شورای عالی و مرکز ملی فضای مجازی هم‌پوشانی دارد و می‌تواند به تداخل در صلاحیت‌های این دو نهاد بینجامد. بنابراین، نمی‌توان صرفاً با استناد به اینکه ساختار جدید «ستاد» نامیده شده و نه «شورای عالی»، آن را از ایراد موازی‌کاری مبرا دانست. معیار تشخیص موازی بودن، ماهیت صلاحیت‌ها و کارکردهای نهاد است، نه عنوانی که برای آن انتخاب شده است. افزون بر این، حکم سال ۱۳۹۴ مقام رهبری صرفاً بر جایگاه محوری و فراقوه‌ای شورای عالی تأکید نکرده، بلکه صراحتاً انحلال شوراهای عالی موازی و انتقال وظایف آن‌ها به این شورا را مقرر کرده است. بدیهی است وقتی ایجاد و استمرار ساختارهای موازی با این شورا مورد منع قرار گرفته، ایجاد ساختار جدیدی با مأموریت‌ها و صلاحیت‌های هم‌پوشان نیز با همان مبنا ناسازگار خواهد بود. از این منظر، نظر فقهای شورای نگهبان را باید در راستای صیانت از جایگاه کانونی شورای عالی و جلوگیری از شکل‌گیری مرجع موازی در حکمرانی فضای مجازی ارزیابی کرد.



ایرادی فراتر از موازی‌کاری؛ حدود صلاحیت رئیس جمهور

صرف‌نظر از ایراد فوق، ایجاد این ستاد از منظر حقوق عمومی با اشکال اساسی دیگری نیز مواجه است. مطابق قانون اساسی، رئیس جمهور ریاست قوه مجریه را بر عهده دارد و اصول ۱۲۴، ۱۲۶ و ۱۳۴، اختیارات او را در استفاده از معاونان، اداره امور برنامه و بودجه و امور اداری و استخدامی و هماهنگی فعالیت وزیران و هیئت دولت به رسمیت شناخته‌اند. همچنین اصل ۱۲۷ امکان تعیین نماینده ویژه را در موارد خاص و با تصویب هیئت وزیران پیش‌بینی کرده است.

بدیهی است از مجموع این اختیارات می‌توان صلاحیت رئیس جمهور برای ایجاد سازوکارهای هماهنگی و مدیریتی در محدوده قوه مجریه را استنباط کرد. با این حال حتی بر فرض پذیرش صلاحیت آیین‌نامه‌گذاری برای رئیس جمهور، برمبنای اصل عدم صلاحیت رئیس جمهور صلاحیت ایجاد نهادهای فراقوه‌ای و همچنین اصلاح ساختارهای ایجادشده به موجب مصوبات بالادستی را ندارد.

به بیان دیگر، اختیار اداره قوه مجریه با اختیار ایجاد نهاد عمومی دارای صلاحیت حکومتی و الزام سایر ارکان کشور ملازمه ندارد. رئیس جمهور نمی‌تواند با یک تصمیم اجرایی، برای نهادهایی خارج از قلمرو صلاحیت خود تکلیف ایجاد کند یا ساختار و مأموریت نهادهایی را که بر مبنای احکام بالادستی شکل گرفته‌اند، بازآرایی کند. به همین جهت است که اصلاح مصوبه ایجاد ستاد و مشورتی اعلام شدن تصمیمات آن نیز اشکالات وارد بر آن را برطرف نمی‌کند چرا که زیرا تصمیم نهایی رئیس جمهور همچنان قرار است برای کلیه دستگاه‌ها الزام‌الاجرا باشد، درحالی که چنین اثری نیازمند مبنای صلاحیتی مستقل است.

در نهایت، اهمیت این پرونده فراتر از سرنوشت یک مصوبه خاص است. مسئله اصلی، رعایت اصل صلاحیت و جلوگیری از توسعه اختیارات مقامات از طریق تصمیمات اجرایی است. اگر ایجاد ساختارهای جدید با مأموریت‌های حکومتی و الزام‌آور، بدون مبنای قانونی یا مجوز مرجع صلاحیت‌دار امکان‌پذیر باشد، مرز میان اختیارات دستگاه‌ها و نهادهای حاکمیتی به‌تدریج مخدوش خواهد شد. از این منظر، رأی اخیر فقهای شورای نگهبان فرصتی برای بازاندیشی در رویه نهادسازی از طریق مصوبات اجرایی و تأکید مجدد بر ضرورت پایبندی به سلسله‌مراتب حقوقی و حدود صلاحیت نهادهای حکومتی است.

یادداشت

مراقب روایت‌های عبور از ولایت باشید!

آزاده محمودیان
روزنامه‌نگار

۱. باید از ولایت فقیه و تمام شئون آن محافظت کرد. باید سد کج‌روایت‌های شبهه‌افکن و تردیدساز را شکست و با روایت صحیح و استدلال قویم، راه بر آنان که کمر به تضعیف و تخریب ولایت بسته‌اند، بست. اگر تیر روایتی به قلب اذهان عمومی پرتاب می‌شود و در ادراک دقیق ولی فقیه از شرایط کشور و شناخت دشمن، شبهه می‌افکند، باید بی‌درنگ زبان به تحلیل و تبیینِ رأیِ ولی گشود؛ به خصوص اگر راویان، سابقهٔ «دروغ‌گویی» و «افترا» به شخص ولی فقیه را داشته باشند. اینکه جایگاه راویِ کذّاب چیست، مهم نیست؛ اینکه تخریبِ جایگاه ولی فقیه، بی‌پاسخ بماند، فسادزاست.

۲. سخن در فهم و تفهیم کلام و رأی امام جامعه است. اگر نظر ایشان برای خواص، بعید و دست‌نیافتنی می‌نماید، دستگاه تفهیم خواص دچار اختلال شده است. خواص باید از خود بپرسند چطور است که در هر احوالی، احکام و اوامر ولی فقیه برای امّت، بی‌شک و واهمه، قابل فهم و اجراست. خواص عالمِ سیاست باید دلیل افول و تنازل از امر ولایت را درون خود جستجو کنند، نه در «امکانات» و «عقل جمعی» خود. این سنگ‌بنای جامعه ولایی است. این نگاشته، ادعای عصمتی همچون عصمت ائمه اطهار علیهم‌السلام، برای جایگاه ولی فقیه ندارد. اما در جامعه شیعیِ امام و امت، که قوانین آن از عالم‌اله منتشی شده، باور بر این است که ولی فقیه اکتشافی است و نائب امام معصوم. کسی که بنا بر حکم شرع با یک حرام از جایگاه خود ساقط می‌شود؛ بنا بر حکم تکوین، مورد حمایت و هدایت الهی است.

۳. این همان چشم اسفندیار خواص سیاسی جامعه است که گاه‌وبی‌گاه رأی و حکم خود را بر رأی و حکم ولی فقیه اصلح و افضل قلمداد می‌کنند. این همان درّه‌ای است که بعضی از خواص در زمان امام راحل و امام شهید از آن سقوط کردند و همچنان در کلنجار با امام سوم جامعه، عده‌ای بر آن اصرار دارند. عجبا از اهل بلاهتی که تمام قد خود را زیر خیمهٔ انقلاب جا کرده‌اند اما این واقعیت اظهرمن‌الشمس را نمی‌بینند و هنوز معتقدند «همه چیز با رهبری هماهنگ است». بعد هم که تشت رسوایی تحمیل به رهبری بر زمین می‌افتد، همچون اصلاح‌طلبانِ لیبرال، خود را به ندیدن و نشنیدن می‌زنند و شهامت و تقوای اعتراف به محاسبات خطای خود را ندارند.

۴. رهبر شهید در یکی از آخرین موضع‌گیری‌های خود در اول مهر ۱۴۰۴، آشکارا مذاکره با آمریکا، را مضر و بن‌بست محض دانستند؛ مذاکره با دولت ترامپ را با قاطعیت رد کردند و واضح‌تر آنکه، امکان ارتباط ایران و آمریکا را تا «بیست‌سی سال» آینده منتفی اعلام کردند. روشن است که «علی‌الاصول» رهبر سوم، به‌دقت در امتداد همین مواضع رهبر شهید است. اینکه رهبر سوم دریافت غرامت را در اولویت هر نوع مواجهه با دشمن تشخیص داده‌اند، به‌شرط صحت روایت - که در صداقت و دقت راوی آن تردیدهاست - باز هم در همین راستا می‌نشنید؛ و بر عدم رضایت بر مذاکره تأکید دارد.

۵. آنچه شورای عالی امنیت ملی باید از این موضع رهبر سوم ادراک می‌کرد و اکثریت قاطع آن، ادراک نکرد، همین بود. حال که تفاهم‌نامهٔ تاریک با مغز برزمین کوبیده شده و خود ترامپ از آن به‌عنوان نقشه‌ای برای ایجاد فرصت، نام می‌برد، اینان به‌جای اظهار شرمساری در برابر ملت، از درِ اظهار ضعف و ناچاری درآمده‌اند. البته تکلیف لیبرال‌ها که سال‌هاست روشن است، اینان همواره نگران آن دکمه‌ای بوده‌اند که آمریکا می‌تواند با فشردن آن ایران را به یکباره نابود کند. امروز انقلاب و ولایت، ضربهٔ اصلی را از عملگرایانی می‌خورد که سال‌هاست خود را به‌نام انقلابی فاکتور کرده‌اند، اما نظر خود را اولی از ولی فقیه می‌دانند و به ایشان تحمیل می‌کنند؛ و در نهایت، تقوای اعتراف به غلط‌های بزرگ خود را نیز ندارند.

۹۰۰ میلیون دلار ارز برای لوکس‌سواران!



عضو کمیسیون صنایع و معادن مجلس، با بیان اینکه مافیای خودرو متشکل از سیاست‌های اشتباه متولیان است، گفت: مافیا شخص نیست، بلکه مجموعه‌ای از سیاست‌های اتخاذشده توسط مسئولان مربوطه است؛ چراکه در چهار دهه گذشته در حوزه خودرو به‌گونه‌ای سیاست‌گذاری شده که مانع از رفع انحصار در بازار شود. مصطفی پوردهقان ادامه داد: قطعاً خودروسازان و دلالان نقشی در سیاست‌گذاری‌ها نداشته‌اند و این سیاست‌ها در دولت، به‌ویژه وزارت صمت، بانک مرکزی، سازمان برنامه و بودجه، مجمع تشخیص مصلحت نظام و سایر نهادهای مربوطه اتخاذ شده است؛ کمااینکه سیاست‌گذاران در یک سال گذشته اجازه ندادند قانون واردات خودرو اجرا شود. این آدرس اشتباه دادن است که به جای انتقاد از عملکرد سیاست‌گذاران و اصلاح سیاست‌ها در حوزه خودرو، انگشت اتهام را به سمت تولیدکننده بگیریم. او تأکید کرد: البته تولیدکننده قطعاً به دنبال تداوم انحصار در بازار خودرو و ایجاد شرایطی است که بتواند قیمت تولیداتش را به‌صورت روزانه افزایش دهد و در این فضا به نفع خود بازی کند، اما تنها با یک راهکار ساده می‌توان این فضا را از بین برد.

پوردهقان اظهار کرد: لازم است سیاست‌گذاران در کشور اعلام کنند که هر فردی، به‌خصوص افراد ۷ دهک پایین جامعه، امکان واردات یک خودرو با تعرفه صفر را دارد. در این شرایط، خودروساز هر روشی را برای فروش اجرا کند، به مردم آسیب نخواهد رسید؛ بنابراین پیچ تنظیم وضعیت صنعت خودرو در اختیار سیاست‌گذاران است. عضو کمیسیون صنایع و معادن مجلس گفت: آقایان مسئول در وزارت صمت، وزارت امور اقتصادی و دارایی، بانک مرکزی، سازمان برنامه و بودجه و گمرک، تا زمانی که پیچ تنظیم بازار خودرو را به سمتی بچرخانند که به نفع انحصارگرایان باشد، قطعاً تولیدکنندگان نیز به شکل‌های مختلف بازی درمی‌آورند و در جهت افزایش قیمت‌ها اقدام می‌کنند.

او با بیان اینکه در سال جاری فقط حدود ۹۰۰ میلیون دلار برای واردات خودروهای لوکس اختصاص داده شده است، گفت: سازمان برنامه و بودجه اعلام کرد که این خودروها ۱۸۰ درصد تعرفه دارند و درآمد ۲۰۰ هزار میلیارد تومانی برای دولت تأمین می‌کنند. از سوی دیگر، وقتی تعرفه ۲۰ درصدی خودروهای اقتصادی به ۱۰۰ درصد افزایش یافت؛ قطعاً ایران خودرو ۱۰ هزار خودرو را خارج از شبکه و به نرخ بازار آزاد می‌فروشد، میزان تولیدات خود را ۴۰ درصد کاهش می‌دهد و برای پنجمین بار در یک سال درخواست افزایش قیمت می‌دهد.

موج خبر

تولید و مصرف بنزین سربه‌سر شد

سرپرست وزارت نفت با اشاره به خسارات واردشده به تأسیسات نفتی و اقدامات انجام‌شده برای بازسازی گفت: با وجود آسیب‌های گسترده و از دست رفتن بخش قابل‌توجهی از ظرفیت‌ها، تاکنون بیش از ۵۰ درصد ظرفیت‌های آسیب‌دیده بازگردانده شده است. حمید بورد با بیان اینکه تولید در بخش‌های مختلف نفت، گاز، بنزین و گازوئیل روند افزایشی داشته است، تأکید کرد: شدت مصرف انرژی در ایران بالاست و صرفاً افزایش تولید نمی‌تواند این مشکل را برطرف کند؛ بنابراین، باید هم‌زمان با افزایش تولید، مصرف نیز مدیریت شود. وی با تصریح بر ضرورت صرفه‌جویی در مصرف گاز تأکید کرد: امسال باید با همکاری مردم، یک جهاد عمومی برای کنترل مصرف شکل بگیرد. اگر بتوانیم در بخش خانگی حدود ۲۰ درصد صرفه‌جویی داشته باشیم، عبور از اوج مصرف گاز و پشت سر گذاشتن شرایط پیش‌رو امکان‌پذیر خواهد بود. سرپرست وزارت نفت ادامه داد: در حوزه بنزین، به‌تدریج در حال نزدیک شدن به شرایطی هستیم که تولید و مصرف تقریباً با یکدیگر برابری کنند و این اتفاق، دستاورد مهمی است. در این زمینه، هم کنترل شدت مصرف و هم جلوگیری از قاچاق سوخت اهمیت دارد.

نماینده مجلس: علت گرانی روغن موتور را نمی‌دانیم

عضو کمیسیون برنامه، بودجه و محاسبات مجلس گفت: یکی از جدی‌ترین گلایه‌های مردم در روزهای اخیر، افزایش قابل‌توجه قیمت روغن موتور است. بهروز محبی نجم‌آبادی تصریح کرد: در این زمینه، تماس‌های متعددی با سازمان تعزیرات حکومتی و مجموعه‌های مختلف برقرار کرده‌ایم، اما هنوز موفق نشده‌ایم علت اصلی این گرانی را به‌طور دقیق مشخص کنیم. باید روشن شود که آیا این افزایش قیمت ناشی از عرضه روغن موتور در بورس کالا و افزایش قیمت‌ها در این بازار است یا عوامل دیگری در بروز این وضعیت نقش دارند. وی افزود: مجلس، به‌ویژه کمیسیون انرژی، باید با جدیت به این موضوع ورود کند و اجازه ندهد چنین وضعیتی ادامه پیدا کند. محبی با اشاره به شرایط جنگی کشور و تلاش دشمن برای ایجاد نارضایتی عمومی از مسیر فشارهای اقتصادی اظهار کرد: ما در شرایط یک جنگ ترکیبی نابرابر قرار داریم و دشمن نیز برنامه‌های خود را در حوزه اقتصادی دنبال می‌کند تا زمینه نارضایتی را در میان مردم گسترش دهد؛ از این رو، دولت باید در سریع‌ترین زمان ممکن به موضوع افزایش قیمت روغن موتور رسیدگی کند. وی ادامه داد: روغن موتوری که در داخل کشور تولید می‌شود، هیچ دلیلی ندارد که با افزایش چندبرابری قیمت مواجه شود و لازم است دستگاه‌های مسئول با بررسی دقیق عوامل گرانی، برای کنترل قیمت و رفع این مشکل اقدام کنند.

نوبنیاد از اختلاف سر تعیین نرخ و تأخیر در پرداخت مطالبات کشاورزان گزارش می‌دهد؛

گندم قربانی تعلل دولت



تأخیر در پرداخت مطالبات گندمکاران و بلاتکلیفی در تعیین نرخ خرید تضمینی، دو مانع جدی در مسیر حمایت از کشاورزان و تامین امنیت غذایی کشور است؛ موانعی که به گفته معاون وزارت جهاد کشاورزی، اگر برطرف می‌شد، امکان خرید حداقل ۱۱ میلیون تن گندم از کشاورزان و بی‌نیازی کشور از واردات این محصول وجود داشت. با این حال و در شرایطی که کشور وارد آذرماه و سومین ماه سال زراعی جدید شده، هنوز نرخ خرید تضمینی گندم مشخص نیست.

نیما سهیلی
روزنامه‌نگار

براساس آمارها، خرید تضمینی گندم در سال زراعی ۱۴۰۴-۱۴۰۵ به ۸ میلیون و ۴۸۱ هزار تن رسید؛ رقمی که نشان‌دهنده فاصله با ظرفیت تولید و نیاز کشور است. اما تولید بیش از ۱۴ میلیون تن گندم، ظرفیت قابل توجهی برای تأمین نیاز داخلی و امنیت غذایی کشور ایجاد کرد؛ با این حال، همه این محصول در شبکه خرید تضمینی دولت قرار نگرفت. یکی از مهم‌ترین دلایل این اتفاق، تأخیر در پرداخت مطالبات کشاورزان بود. گندمکارانی که محصول خود را به مراکز خرید تحویل داده بودند، برای دریافت بهای آن ماه‌ها منتظر ماندند و همین مسئله انگیزه تحویل محصول به دولت را کاهش داد. مجید آنجفی، معاون امور زراعت وزارت جهاد کشاورزی، در گفت‌وگو با ایسنا این موضوع را تایید کرد و گفت: امسال به لحاظ تولید، سال بسیار خوبی را پشت سر گذاشتیم و بیش از ۱۴ میلیون تن گندم در کشور تولید شد. اگر پرداخت مطالبات گندم‌کاران به‌موقع و به‌درستی انجام شده بود، حداقل ۱۱ میلیون تن گندم به دولت تحویل داده می‌شد و بر همین اساس نیاز کشور به واردات این محصول نیز به‌طور کامل برطرف می‌شد. این اعتراف نشان می‌دهد دولت با وجود برخورداری از ظرفیت مناسب تولید داخلی، به دلیل ضعف در مدیریت پرداخت‌ها نتوانست تمام گندم مورد انتظار را در شبکه خرید تضمینی جمع‌آوری کند. به گفته معاون وزیر جهاد کشاورزی، نخستین پرداخت مطالبات گندمکاران حدود ۷۵ روز پس از آغاز خرید تضمینی انجام شد و حدود یک‌ونیم میلیون تن از گندم می‌که پیش‌بینی می‌شد به دولت تحویل داده شود، به دلیل تأخیر در پرداخت مطالبات به بازارهای دیگر رفت. تأکید آنجفی در مورد امکان خرید حداقل ۱۱ میلیون تن در صورت پرداخت به‌موقع مطالبات کشاورزان، نشان می‌دهد که سیاست پرداخت دولت چه تأثیری بر میزان خرید محصول داخلی داشته است.

تعیین قیمت گندم همچنان در بلاتکلیفی

در کنار مشکل پرداخت مطالبات، تأخیر در تعیین نرخ خرید تضمینی نیز به نگرانی کشاورزان اضافه شده است. مطابق قانون تضمین خرید محصولات اساسی کشاورزی، قیمت محصولات باید حداکثر تا پایان تیرماه تعیین شود تا تولیدکنندگان پیش از آغاز فصل کشت از نرخ خرید محصول خود اطلاع داشته باشند و بتوانند برای تأمین نهاده‌ها و هزینه‌های تولید برنامه‌ریزی کنند. با این حال، اکنون که کشور وارد آذرماه و سومین ماه سال زراعی جدید شده، هنوز نرخ خرید تضمینی گندم مشخص نشده است.

یکی از دلایل اصلی این تأخیر، اختلاف اعضای شورای قیمت‌گذاری است. علیرضا عباسی، نایب‌رئیس کمیسیون کشاورزی مجلس و عضو ناظر مجلس در شورای قیمت‌گذاری، گفت: قیمت خرید تضمینی باید تا پایان تیرماه مشخص می‌شد، اما با گذشت چند ماه هنوز تصمیم نهایی اتخاذ نشده است. وی افزود: اختلاف میان پیشنهادهای وزارت جهاد کشاورزی، وزارت اقتصاد و سازمان برنامه و بودجه، روند تصمیم‌گیری را با مشکل مواجه کرده است. غلامرضا نوری قزلجه، وزیر جهاد کشاورزی، نیز هفته گذشته اعلام کرد که بررسی نرخ خرید تضمینی ادامه دارد و انتظار می‌رود قیمت در هفته جاری نهایی شود. با این حال وزیر جهاد کشاورزی، نیز در هفته‌های گذشته چند بار از نزدیک بودن زمان تعیین نرخ خرید تضمینی گندم خبر داده، اما این وعده‌ها تاکنون به اعلام قیمت نهایی منجر نشده است. بر همین اساس، قرار است امروز سه‌شنبه ۳ آذرماه موضوع تعیین نرخ در جلسه شورای قیمت‌گذاری بررسی شود و در صورت حصول توافق، قیمت جدید اعلام شود.

اختلاف ۲۰ هزار تومانی دولت و کشاورزان

پیمان عالمی، رئیس اتاق اصناف کشاورزی ایران، نیز با انتقاد از روند برگزاری جلسات شورای قیمت‌گذاری، از اختلاف قابل توجه میان پیشنهادهای اعضا خبر داد و با اشاره به غیبت مسئولان دولتی گفت: تاکنون سه جلسه به دلیل عدم حضور مسئولان لغو شده و در جلسات برگزارشده نیز وزیر امور اقتصادی و دارایی و رئیس سازمان برنامه و بودجه، به عنوان اعضای اصلی شورا، حضور نداشته‌اند. عالمی با اشاره به اهمیت تعیین نرخ خرید تضمینی گندم افزود: «هنوز نتوانسته‌ایم جلسه‌ای با حضور اعضای اصلی شورا برای بررسی این موضوع مهم برگزار کنیم. در آخرین جلسه نیز دو نماینده مجلس نسبت به این وضعیت اعتراض کردند و ما هم تأکید کردیم که عدم حضور این مسئولان، بی‌احترامی به اعضای شورای قیمت‌گذاری و بی‌اعتنایی به امنیت غذایی کشور است. رئیس اتاق اصناف کشاورزی ایران درباره اختلاف دیدگاه‌ها بر سر نرخ خرید تضمینی نیز گفت: در جلسات شورا ارقام مختلفی مطرح شده، اما اختلاف قابل توجهی میان دیدگاه وزارت جهاد کشاورزی، بخش خصوصی و سازمان برنامه و بودجه و وزارت اقتصاد وجود دارد؛ به‌طوری که فاصله پیشنهادها بیش از ۲۰ هزار تومان است و همین اختلاف مانع رسیدن شورا به اجماع و تعیین نرخ نهایی شده است. وی بیان کرد: منابع مالی خرید تضمینی باید از سوی دولت تأمین شود و مسئولان اصلی دستگاه‌های مرتبط باید با حضور در جلسات، درباره این موضوع به جمع‌بندی برسند. غیبت اعضای اصلی شورا در حالی ادامه دارد که تصمیم درباره قیمت گندم، مستقیماً بر انگیزه کشاورزان برای ادامه تولید و میزان وابستگی کشور به واردات اثر می‌گذارد.

هزینه تولید هر کیلو گندم ۸۵ هزار تومان

مجید آنجفی، معاون امور زراعت وزارت جهاد کشاورزی، نیز اعلام کرد که برآورد هزینه تمام‌شده تولید هر کیلوگرم گندم حدود ۸۵ هزار تومان است. این رقم بر اساس محاسبات و توافق تشکل‌های بخش کشاورزی، کشاورزان و نمایندگان معاونت زراعت به دست آمده است. این رقم در شرایطی مطرح می‌شود که قیمت خرید تضمینی گندم در سال زراعی گذشته ۴۹ هزار و ۵۵۰ تومان به ازای هر کیلوگرم بود. بنابراین عدد ۸۵ هزار تومانی امسال نسبت به نرخ مصوب سال گذشته حدود ۷۱.۵ درصد افزایش دارد. این اختلاف، ضرورت بازنگری در نرخ خرید تضمینی متناسب با رشد هزینه‌های تولید را نشان می‌دهد. محمدجواد عسکری، رئیس کمیسیون کشاورزی مجلس، نیز پیش‌تر رقم ۸۵ هزار تومان را به عنوان یکی از پیشنهادهای مطرح‌شده در شورای قیمت‌گذاری اعلام کرده بود.

گندم و امنیت غذایی؛ هزینه تعلل دولت

گندم یکی از مهم‌ترین محصولات راهبردی کشور و پایه اصلی تأمین نان و بخش مهمی از سبد غذایی خانوارهاست. از همین رو، تولید و خرید آن تنها یک موضوع اقتصادی در بخش کشاورزی نیست، بلکه مستقیماً با امنیت غذایی و ثبات بازار کالاهای اساسی ارتباط دارد. هر میزان کاهش در خرید داخلی، در صورت نبود ذخایر کافی، می‌تواند نیاز به واردات را افزایش دهد و منابع ارزی کشور را درگیر کند. قیمت جهانی گندم نیز نشان می‌دهد تأمین این محصول از بازارهای خارجی هزینه قابل توجهی به کشور تحمیل می‌کند. براساس معاملات اخیر بازارهای مرجع، قیمت گندم در بورس شیکاگو حدود ۲۱۱ دلار به ازای هر تن و در بورس یورونکست پاریس حدود ۲۳۷ یورو به ازای هر تن بوده است. در همین شرایط، دیوان محاسبات کشور نیز از یک ایراد دیگر در روند تسویه مطالبات گندمکاران پرده برداشته است. براساس گزارش این نهاد نظارتی، کسر ۱۴ هزار و ۷۱۵ ریال از بهای هر کیلوگرم گندم بابت حق بیمه سهم کشاورز، مغایر مقررات اعلام شده و مجموع مبالغ کسرشده از مطالبات کشاورزان حدود ۱۲ تا ۱۲.۴ هزار میلیارد تومان برآورد شده است. دیوان محاسبات تأکید کرد: حق بیمه سهم کشاورز باید از محل اعتبارات خرید تضمینی و توسط دولت تأمین شود و نباید از بهای گندم کسر شود. این موضوع نشان می‌دهد مشکلات گندمکاران تنها به تأخیر در پرداخت محدود نبوده و حتی در نحوه محاسبه و تسویه مطالبات نیز ایراداتی وجود داشته است.

با این حال تجربه خرید تضمینی امسال نشان داد دولت از یک سو بر خودکفایی و حمایت از تولید داخلی تأکید می‌کند و از سوی دیگر، با تأخیر در پرداخت پول کشاورزان و تعیین نکردن نرخ خرید تضمینی در موعد قانونی، انگیزه تولید را تضعیف می‌کند. نتیجه چنین وضعیتی می‌تواند کاهش تحویل محصول به شبکه رسمی، افت انگیزه کشت در سال آینده و افزایش نیاز به واردات باشد. در شرایطی که کشور با محدودیت منابع ارزی و فشارهای اقتصادی مواجه است، هر تن گندمی که امکان تولید و خرید آن در داخل وجود دارد اما به دلیل ضعف سیاست‌گذاری از دسترس دولت خارج می‌شود، می‌تواند به معنای تحمیل هزینه واردات به اقتصاد باشد.

انتشار پیش‌نویس مقررات برای نظرخواهی و جلب مشارکت عمومی الزامی‌تر می‌شود!

پایان تصمیمات یک‌طرفه دولت در میدان اقتصاد؟

انتشار پیش‌نویس مقررات برای دریافت نظر مردم و فعالان اقتصادی، موضوع تازه‌ای در نظام اداری کشور نیست. قانون‌گذار و دولت پیش از این نیز دستگاه‌های اجرایی را به رعایت چنین الزامی مکلف کرده بودند؛ بااین‌حال، بی‌توجهی به این تکالیف همچنان یکی از مشکلات فرایند تصمیم‌گیری است. حالا با صدور بخشنامه جدید دولت و درپی رأی اخیر هیئت عمومی دیوان عدالت اداری، این پرسش مطرح است که آیا قرار است صرفاً بر همان تکالیف پیشین تأکید شود یا سازوکاری برای اجرای واقعی و نظارت بر آن‌ها شکل بگیرد؟



علیرضا بهرامی
کارشناس حقوق عمومی

انتشار پیش‌نویس مقررات برای دریافت نظر مردم و فعالان اقتصادی، موضوع تازه‌ای در نظام اداری کشور نیست. قانون‌گذار و دولت پیش از این نیز دستگاه‌های اجرایی را به رعایت چنین الزامی مکلف کرده بودند؛ بااین حال، بی‌توجهی به این تکالیف همچنان یکی از مشکلات فرایند تصمیم‌گیری است. حالا با صدور بخشنامه جدید دولت و در پی رأی اخیر هیئت عمومی دیوان عدالت اداری، این پرسش مطرح است که آیا قرار است صرفاً بر همان تکالیف پیشین تأکید شود یا سازوکاری برای اجرای واقعی و نظارت بر آن‌ها شکل بگیرد؟

بسیاری از تصمیمات دستگاه‌های اجرایی، از تعیین ضوابط فعالیت یک صنعت تا وضع محدودیت‌های اقتصادی، مستقیماً بر زندگی مردم و فعالیت کسب‌وکارها اثر می‌گذارند. بااین حال، دستگاهی که مقرره را تدوین می‌کند، لزوماً از همه ابعاد مسئله آگاه نیست. ممکن است یک تصمیم از نظر اداری قابل اجرا به نظر برسد، اما در عمل هزینه تولید را افزایش دهد، زنجیره تأمین را مختل کند یا برای گروهی از مردم محدودیت‌هایی ایجاد کند که هنگام تدوین مقرره به آن‌ها توجه نشده است. بخشی از این خطاها را می‌توان با شنیدن دیدگاه کسانی که با موضوع سروکار دارند، پیش از نهایی شدن تصمیم، شناسایی کرد. اهمیت این موضوع را می‌توان در رأی ۱۰ شهریور ۱۴۰۵ هیئت عمومی دیوان عدالت اداری مشاهده کرد. در این پرونده، نامه ابلاغ مصوبات قرارگاه امنیت غذایی وزارت جهاد کشاورزی در موضوع مرتبط با انجمن صنعت بسته‌بندی گوشت و مواد پروتئینی کشور، به دلیل رعایت نکردن تکلیف قانونی اخذ نظر تشکل‌های اقتصادی ذی‌ربط، موضوع ماده ۳ قانون بهبود مستمر محیط کسب‌وکار، ابطال شد. در پی این رأی، معاونت حقوقی رئیس جمهور نیز در تاریخ ۲۵ آبان ۱۴۰۵ بخشنامه‌ای با موضوع لزوم انتشار پیش‌نویس مقررات برای نظرخواهی و جلب مشارکت عمومی صادر کرد. البته الزام به نظرخواهی و انتشار پیش‌نویس مقررات، موضوع تازه‌ای نیست. ماده ۳ قانون بهبود مستمر محیط کسب‌وکار، آیین‌نامه اجرایی ماده ۲۴ این قانون، مصوب ۱۴۰۲، و دستورالعمل شماره ۱۳۵۴۴ مورخ اول اردیبهشت ۱۴۰۳ معاونت حقوقی رئیس جمهور، پیش از این نیز دستگاه‌های اجرایی را به اخذ نظر تشکل‌های اقتصادی ذی‌ربط و انتشار پیش‌نویس مقررات ملزم کرده بودند. دستورالعمل سال ۱۴۰۳ حتی جزئیات بیشتری را مشخص کرده است: دستگاه اجرایی باید نظر کتبی تشکل‌های مرتبط و، حسب مورد، دیدگاه ذی‌نفعان، مراکز علمی و نهادهای تخصصی را دریافت کند؛ پیش‌نویس را دست‌کم یک هفته پیش از صدور منتشر سازد و گزارشی از نظرخواهی و نحوه توجه به دیدگاه‌های دریافت‌شده ارائه دهد. بنابراین، مسئله امروز صرفاً نبود حکم قانونی نیست؛ با مجموعه‌ای از تکالیف قانونی و اداری مواجهیم که اجرای مؤثر آن‌ها همچنان محل پرسش است.

چرا نظارت پس از صدور مقررات کافی نیست؟

رأی اخیر هیئت عمومی دیوان عدالت اداری از این جهت اهمیت دارد که نشان می‌دهد تکلیف قانونی نظرخواهی، صرفاً یک توصیه اداری نیست و رعایت نکردن آن می‌تواند به ابطال مقرره منجر شود. البته باید در آثار رأی نیز دقت کرد: این رأی درباره مقرره مورد رسیدگی و آثار قانونی آن است و به معنای ابطال خودکار تمام مقررات مستقل و مشابه سایر دستگاه‌های اجرایی نیست. مقررات مستقل دیگر، حسب مورد و با رعایت شرایط قانونی، ممکن است نیازمند رسیدگی جداگانه باشند. با وجود این، تقویت ضمانت اجرای قضایی به‌تنهایی مشکل را حل نمی‌کند. دیوان عدالت اداری زمانی وارد عمل می‌شود که مقرره صادر شده و معمولاً آثار آن نیز آغاز شده است. در این فاصله ممکن است کسب‌وکارها متحمل هزینه شوند، فعالیتی متوقف شود یا مردم با محدودیت‌هایی مواجه شوند. حتی اگر مقرره بعداً ابطال شود، جبران تمام آثار و خسارت‌های ناشی از اجرای آن لزوماً ممکن نیست. بنابراین، نظارت قضایی هرچند ضروری است، جایگزین نظارت پیشگیرانه در داخل دولت نمی‌شود.

تکرار یک الزام یا آغاز یک تغییر؟

بخشنامه اخیر معاونت حقوقی رئیس جمهور بار دیگر بر انتشار پیش‌نویس و دریافت نظرات تأکید کرده است؛ اما پرسش مهم‌تر این است که اگر دستگاهی این تکالیف را رعایت نکند و مقرره را بدون نظرخواهی ابلاغ کند، چه سازوکاری برای جلوگیری از اجرای آن یا رسیدگی فوری به تخلف وجود دارد؟ اگر پاسخ عملی این باشد که تشکل یا شهروند متأثر باید پس از صدور مقرره به دیوان عدالت اداری شکایت کند، همچنان بار اصلی نظارت بر دوش اشخاصی خواهد بود که از تصمیم آسیب دیده‌اند. معاونت حقوقی رئیس جمهور باید با استفاده از ظرفیت قوانین و دستورالعمل‌های موجود، سازوکاری پیشگیرانه برای کنترل رعایت تشریفات نظرخواهی و انتشار پیش‌نویس پیش از ابلاغ مقررات طراحی کند. به این معنا که دستگاه واضع نتواند بدون ارائه مستندات مربوط به انجام نظرخواهی و تعیین تکلیف نظرات دریافتی، فرایند صدور مقرره را به پایان برساند و در صورت رعایت نکردن الزامات، موضوع پیش از ابلاغ بررسی و تعیین تکلیف شود. البته طراحی چنین سازوکاری باید در چارچوب صلاحیت‌ها و اختیارات قانونی مراجع دولتی انجام گیرد. مشارکت مردم، کارشناسان و ذی‌نفعان نباید به انتشار یک متن در پایگاه اطلاع‌رسانی و دریافت چند نظر محدود شود. ارزش واقعی مشارکت زمانی آشکار می‌شود که دانش تخصصی، تجربه عملی و دیدگاه کسانی که از تصمیمات عمومی متأثر می‌شوند، پیش از نهایی شدن تصمیم به کار گرفته شود؛ نه آنکه پس از بروز آثار زیان‌بار یک مقرره، تنها راه شنیده شدن اعتراض‌ها، مراجعه به مرجع قضایی باشد.

بخشنامه معاونت حقوقی دولت چه می‌گوید؟

باید میان فراهم کردن فرصت مشارکت و استفاده درست از نظرات مشارکت‌کنندگان تفاوت قائل شد. انتشار پیش‌نویس مقرره، به‌خودی‌خود صرفاً امکان اطلاع از تصمیم پیشنهادی و اظهارنظر درباره آن را فراهم می‌کند. اما حتی اگر نظرات گروه‌های مختلف دریافت شود، همچنان پرسش مهم‌تری باقی است: این نظرات چگونه باید ارزیابی شوند؟ ذی‌نفعان به دلیل ارتباط مستقیم با موضوع، از تجربه عملی و شناختی برخوردارند که می‌تواند ابعاد مختلف منافع، هزینه‌ها و مشکلات اجرای یک مقرره را آشکار کند. بااین حال، اگر سازوکاری برای ارزیابی مستقل نظرات، شناسایی تعارض منافع و توضیح دلایل پذیرش یا رد پیشنهادها وجود نداشته باشد، کیفیت مقررات لزوماً بهبود نمی‌یابد. دستگاه تصمیم‌گیرنده باید بتواند روشن کند چه نظراتی دریافت کرده، کدام یک را پذیرفته یا رد کرده و برچه مبنایی به تصمیم نهایی رسیده است. در غیر این صورت، نظرخواهی ممکن است به تشریفاتی اداری تبدیل شود که نه تأثیر محسوسی بر کیفیت تصمیم دارد و نه امکان پاسخ‌خواهی درباره نحوه استفاده از نظرات را فراهم می‌کند؛ بنابراین، صرف صدور بخشنامه از سوی معاونت حقوقی دولت، بدون پیش‌بینی سازوکاری مؤثر برای نظارت بر اجرای تکالیف پیشین، نمی‌تواند تضمین‌کننده تغییر وضعیت موجود باشد. در این صورت، این خطر وجود دارد که رویه‌های پیشین تصمیم‌گیری، بدون جلب مشارکت مؤثر و کارآمد کارشناسان و ذی‌نفعان، همچنان ادامه پیدا کند.

هزینه تصمیمات ناگهانی دولت را مردم می‌پردازند

تصمیمات اقتصادی دولت زمانی اثربخش خواهند بود که پیش از اجرا، پیامدهای آن‌ها برای تولیدکنندگان، مصرف‌کنندگان و فعالان بازار بررسی شود. تغییر ناگهانی تعرفه‌های وارداتی، وضع محدودیت برای صادرات، اصلاح ضوابط تخصیص ارز یا تعیین قیمت‌های دستوری، نمونه‌هایی از تصمیماتی هستند که اگر بدون مشورت با فعالان اقتصادی اتخاذ شوند، ممکن است به بی‌ثباتی بازار و افزایش هزینه بنگاه‌ها منجر شوند. در اقتصادی که بخش مهمی از تولید آن به واردات مواد اولیه، تأمین مالی و پیش‌بینی‌پذیری سیاست‌ها وابسته است، هر بخشنامه شتاب‌زده می‌تواند برنامه‌ریزی بنگاه‌ها را مختل کند و هزینه آن در نهایت به مصرف‌کننده منتقل شود. از این منظر، نظرخواهی از تشکل‌های اقتصادی صرفاً یک الزام اداری یا تشریفات قانونی نیست، بلکه ابزاری برای کاهش خطای سیاست‌گذاری، جلوگیری از تحمیل هزینه‌های غیرضروری به اقتصاد و افزایش اعتماد فعالان بازار به تصمیمات دولت است.

نبض اقتصاد

بلک‌فرایدی؛ تخفیف‌هایی برای خالی کردن جیب مردم

بلک‌فرایدی یا همان جمعه سیاه در جهان فرصتی برای انبارتکانی فروشگاه‌ها، تخلیه کالاهای فصل قبل و افزایش حجم فروش با کاهش واقعی قیمت‌هاست، اما در ایران، این مناسبت در برخی فروشگاه‌ها به مسابقه‌ای برای نمایش تخفیف‌های نجومی و قیمت‌سازی تبدیل شده است؛ به‌گونه‌ای که گاهی مشتری به تصور خرید ارزان‌تر، کالایی را گران‌تر از قیمت معمول بازار می‌خرد. بلک‌فرایدی که از آمریکا آغاز شد، در اصل فرصتی برای فروشندگان بود تا در آستانه فصل خرید کریسمس، با کاهش حاشیه سود و ارائه تخفیف‌های واقعی، موجودی انبار خود را به فروش برسانند. این رویداد به‌تدریج به یکی از مهم‌ترین مناسبت‌های فروش در جهان تبدیل شد اما در ایران در برخی موارد فاصله زیادی با فلسفه اصلی این رویداد دارد؛ چراکه به جای کاهش واقعی قیمت‌ها، گاهی اعداد نجومی روی کالاها درج می‌شود تا تخفیف‌های غیرواقعی چشم مشتری را بگیرد. نمونه تازه این اتفاق، ماجرای فروش یک دستگاه توستر نان است که انتشار تصویر آن در فضای مجازی واکنش برانگیز شد. در این نمونه، قیمت اولیه کالا ۸۵ میلیون تومان درج شده و فروشنده با ادعای تخفیف ۹۰ درصدی، قیمت نهایی را حدود ۷ میلیون تومان اعلام کرده است. این در حالی است که قیمت واقعی همین کالا حدود ۵ میلیون و ۸۰۰ هزار تومان بود. به این ترتیب، اگر قیمت‌های اعلام‌شده و مشخصات کالا یکسان باشد، خریدار به جای بهره‌مندی از تخفیف، یک میلیون و ۲۰۰ هزار تومان بیشتر پرداخت می‌کند؛ یعنی کالایی را حدود ۲۱ درصد گران‌تر از قیمت معمول می‌خرد، درحالی که تصور می‌کند از تخفیفی ۹۰ درصدی بهره‌مند شده است. نکته مضحک ماجرا اینجاست که حتی اعداد تبلیغاتی این نمونه نیز با یکدیگر همخوانی ندارند. اگر واقعاً کالایی ۸۵ میلیون تومان قیمت دارد با تخفیف ۹۰ درصدی باید ۸ میلیون و ۵۰۰ هزار تومان برساند، نه ۷ میلیون تومان. انگار در این بازار، علاوه بر قیمت واقعی کالا، قواعد ساده ریاضی هم قربانی هیجان تبلیغات شده‌اند.

یکی از شگردهای رایج در تخفیف‌های غیرواقعی، دستکاری قیمت است. فروشنده ابتدا عددی بالاتر از قیمت واقعی کالا درج می‌کند و سپس با خط زدن آن و نمایش تخفیف‌های ۵۰، ۷۰ یا حتی ۹۰ درصدی، این تصور را به مشتری منتقل می‌کند که فرصت استثنایی برای خرید پیدا کرده است. به زبان ساده، بعضی سایت‌ها دیگر کالا نمی‌فروشند، توهم ارزان خریدن می‌فروشند. در سال‌های گذشته نیز همزمان با برگزاری بلک‌فرایدی، کاربران از افزایش قیمت برخی کالاها پیش از آغاز آن و عرضه مجدد آنها با عنوان تخفیف ویژه گلایه کرده‌اند.

تخفیف برای مردم یا تبلیغ برای فروشگاه‌ها؟

در شرایطی که تورم و کاهش قدرت خرید، تهیه بسیاری از کالاهای مورد نیاز خانوار را دشوار کرده، تخفیف‌های بزرگ می‌تواند برای مصرف‌کنندگان وسوسه‌کننده باشد. با این حال، وقتی قیمت اولیه واقعی نباشد، تخفیف نه‌تنها کمکی به خانوار نمی‌کند، بلکه به پرداخت هزینه بیشتر نیز منجر شود. از سوی دیگر، این رفتار به اعتماد عمومی به بازار آسیب می‌زند و حتی فروشگاه‌هایی را که تخفیف واقعی ارائه می‌کنند، تحت تأثیر قرار می‌دهد. البته نباید همه فروشگاه‌های اینترنتی و تمام تخفیف‌های بلک‌فرایدی را غیرواقعی دانست؛ کسب‌وکارهایی نیز وجود دارند که با کاهش واقعی قیمت‌ها به دنبال جذب مشتری هستند. با این حال، در بازاری که درج تخفیف‌های نجومی به ابزار تبلیغاتی تبدیل شده، تشخیص فرصت واقعی خرید از تبلیغات گمراه‌کننده برای مصرف‌کننده دشوار می‌شود. در همین زمینه، اتاق اصناف ایران در آستانه بلک‌فرایدی امسال از اجرای طرح نظارتی ویژه و برخورد با حراج‌های غیرواقعی و تخفیف‌های گمراه‌کننده خبر داد. با وجود این، پرسش این است که چرا با وجود تکرار سالانه این تخلفات و هشدارهای نظارتی، همچنان زمینه قیمت‌سازی در جشنواره‌های فروش وجود دارد؟ تا زمانی که قیمت‌سازی هزینه‌ای جدی برای متخلفان نداشته باشد و فروشگاه‌ها ناچار به پاسخگویی درباره سابقه قیمت‌های خود نباشند، بعید است این نمایش هرساله پایان پیدا کند.

یادداشت

شورش در پنتاگون

محسن پوردادفر
روزنامه‌نگار

بحران در وزارت جنگ آمریکا همچنان ادامه دارد. بحرانی که این بار نه از سوی مخالفان سنتی دولت ترامپ، بلکه از درون ساختار پنتاگون و حتی اردوگاه جمهوری‌خواهان سر باز کرده است. هم‌زمان با تشدید انتقادهای نمایندگان کنگره از عملکرد پیت هگست، وزیر جنگ آمریکا، یکی از نزدیک‌ترین همکاران سابق او نیز سکوت خود را شکسته و آشکارا خواستار کناره‌گیری وی شده است. تحولاتی که نشان می‌دهد پیامدهای جنگ علیه ایران، فراتر از میدان نبرد، به یکی از جدی‌ترین چالش‌های سیاسی دولت ترامپ در واشنگتن تبدیل شده است.

نشریه پولیتیکو در گزارشی تازه از اظهارات صریح «جو کاسپر»، رئیس دفتر سابق هگست، پرده برداشته است. فردی که زمانی در حلقه نزدیک‌ترین مشاوران وزیر جنگ آمریکا قرار داشت، اما اکنون معتقد است دوران حضور او در پنتاگون باید پایان یابد. کاسپر با انتقاد از شیوه مدیریت هگست تأکید کرده که توانایی وی برای اداره مؤثر وزارت جنگ به‌شدت محدود شده و به‌زودی همین توانایی اندک را نیز از دست خواهد داد. او با بیان اینکه «وقت آن رسیده پیت کناره‌گیری کند»، عملکرد رئیس سابق خود در مدیریت جنگ ایران را به‌شدت زیر سؤال برده است.

انتقادات کاسپر صرفاً به ناکارآمدی مدیریتی محدود نمی‌شود. وی با اشاره به روابط تخریب‌شده هگست با کنگره گفته است که وزیر جنگ آمریکا نه تنها پل‌های ارتباطی خود را خراب کرده، بلکه آنها را با ناپالم به آتش کشیده است. به اعتقاد او، خودمحوری، رفتارهای نمایشی و تصمیمات جنجالی هگست، پنتاگون را با بحرانی جدی در مدیریت و فرماندهی روبه‌رو کرده است.

در سوی دیگر، نمایندگان کنگره نیز فشارها بر وزیر جنگ آمریکا را افزایش داده‌اند. توماس مسی، نماینده جمهوری‌خواه ایالت کنتاکی، با ارائه قطعنامه استیضاح هگست، او را به نقض اختیارات قانونی کنگره در آغاز عملیات نظامی علیه ایران، اقدامات نظامی غیرقانونی و سوءاستفاده از قدرت متهم کرده است. اتهاماتی که هگست آنها را رد می‌کند.

حکیم جفریز، رهبر دموکرات‌های مجلس نمایندگان، نیز خواستار برکناری هگست شده و تأکید کرده است که او باید از مسئولیت خود کنار برود. هم‌زمان تام تیلیس، سناتور جمهوری‌خواه، با انتقاد از مدیریت پنتاگون، خواستار اخراج وی شده است. دموکرات‌ها نیز وعده داده‌اند با آغاز به کار کنگره جدید در ژانویه، تحقیقات گسترده‌ای درباره عملکرد وزارت جنگ انجام دهند.

نکته قابل تأمل آن است که هگست در حالی با موج درخواست‌های استعفا و برکناری روبه‌رو شده که ترامپ همچنان از عملکرد او دفاع می‌کند. رئیس جمهور آمریکا تلاش دارد با حمایت علنی از وزیر جنگ، مانع گسترش شکاف در کابینه شود اما افزایش انتقادات از درون حزب جمهوری‌خواه و پنتاگون نشان می‌دهد بحران فراتر از اختلافات حزبی رفته است



احسان میرباقری
روزنامه‌نگار

زنگ خطر محاصره ترانزیتی ایران

ارمنستان یکی از مسیرهای مهم صادرات و ترانزیت کالاهای ایرانی به قفقاز، گرجستان، دریای سیاه و بازار کشورهای عضو اتحادیه اقتصادی اوراسیاست. گذرگاه نوردوز نیز تنها اتصال زمینی مستقیم ایران به ارمنستان محسوب می‌شود. هرگونه اختلال در این مسیر، علاوه بر خسارت اقتصادی، می‌تواند قدرت مانور منطقه‌ای ایران را محدود و وابستگی کشور به مسیرهای ترانزیتی تحت تأثیر سایر بازیگران را افزایش دهد.

نیکول پاشینیان، نخست‌وزیر ارمنستان، از آغاز رسمی اجرای پروژه موسوم به «مسیر ترامپ برای صلح و شکوفایی بین‌المللی» (TRIPP) خبر داده است. پروژه‌ای که قرار است از استان سیونیک در جنوب ارمنستان عبور کرده و جمهوری آذربایجان را به نخجوان متصل کند. این طرح که در واقع شکل تازه‌ای از ایده قدیمی دالان زنگزور محسوب می‌شود، پس از توافقات واشنگتن وارد مرحله اجرایی شده و اکنون پرسش‌های جدی درباره پیامدهای امنیتی، اقتصادی و ژئوپلیتیکی آن برای جمهوری اسلامی ایران مطرح است.

براساس چارچوب توافق‌شده، ۷۴ درصد سهام شرکت توسعه این مسیر در اختیار طرف آمریکایی و ۲۶ درصد متعلق به ارمنستان خواهد بود. همچنین حقوق توسعه و بهره‌برداری پروژه برای دوره اولیه ۴۹ ساله پیش‌بینی شده که با توافق طرفین قابلیت تمدید برای ۵۰ سال دیگر را دارد. بنابراین موضوع صرفاً ساخت یک جاده یا خط آهن نیست بلکه سخن از تثبیت یک حضور اقتصادی و راهبردی بلندمدت آمریکا در حساس‌ترین نقطه قفقاز جنوبی است.

باکو؛ همسایه‌ای که نمی‌توان به آن اعتماد کرد

در بررسی پیامدهای این پروژه، نمی‌توان از نقش جمهوری آذربایجان چشم‌پوشی کرد. تجربه سال‌های اخیر نشان داده است که دولت باکو به هیچ عنوان نمی‌تواند همسایه‌ای قابل اعتماد برای جمهوری اسلامی ایران تلقی شود. روابط گسترده امنیتی و نظامی با رژیم صهیونیستی، توسعه همکاری‌های اطلاعاتی و اتخاذ مواضعی که با ملاحظات امنیت ملی ایران در تعارض قرار می‌گیرند، دلایل روشنی برای ضرورت بازنگری در میزان اعتماد تهران به این همسایه شمالی هستند.

این مسئله به‌ویژه در جریان جنگ ۱۲ روزه و جنگ ۴۰ روزه اهمیت بیشتری یافت. در هر دو مقطع، گزارش‌هایی درباره استفاده احتمالی رژیم صهیونیستی

واشنگتن برای تغییر موازنه قدرت در قفقاز جنوبی نقشه کشیده است

اجرای بی‌سروصدای زنگه‌زور امریکایی

آغاز رسمی اجرای پروژه «ترپ» در جنوب ارمنستان، زنگ خطری تازه برای امنیت و منافع راهبردی ایران در قفقاز جنوبی است. طرحی که با نام فریبنده صلح و شکوفایی معرفی می‌شود، در عمل پای سرمایه و نفوذ بلندمدت آمریکا را به مجاورت یکی از حساس‌ترین مرزهای کشور باز می‌کند. تجربه رفتار دولت باکو، گسترش مناسبات امنیتی آن با رژیم صهیونیستی و نگرانی از تضعیف مسیر حیاتی ایران و ارمنستان نشان می‌دهد تهران نمی‌تواند به وعده‌های دیپلماتیک بسنده کند. حفظ مرز مشترک و جلوگیری از حضور امنیتی بیگانگان، خط قرمزی است که باید حفظ شود.

از ظرفیت‌های سرزمینی و اطلاعاتی جمهوری آذربایجان علیه ایران مطرح شد. در جنگ ۴۰ روزه حتی گزارش‌هایی درباره استقرار محرمانه نیروهای نظامی و اطلاعاتی اسرائیل در خاک جمهوری آذربایجان و بهره‌گیری از تأسیسات این کشور برای پشتیبانی از عملیات علیه ایران انتشار یافت.

چگونه می‌توان به دولتی اعتماد کرد که از یک‌سو بر هویت اسلامی و مناسبات همسایگی تأکید دارد و از سوی دیگر، همکاری راهبردی با اصلی‌ترین دشمن منطقه‌ای ایران را گسترش می‌دهد؟

در حالی که انتظار می‌رفت جمهوری آذربایجان به‌عنوان کشوری مسلمان و همسایه، دست‌کم در برابر تجاوز نظامی به ایران موضعی روشن و بازدارنده اتخاذ کند، مناسبات گسترده آن با رژیم صهیونیستی همچنان پابرجا ماند. این در حالی است که ارمنستان، با وجود تفاوت‌های مذهبی و سیاسی، از مسیر مرز مشترک و همکاری‌های اقتصادی، نقش مهمی در حفظ یکی از راه‌های ارتباطی و تجاری ایران ایفا کرده است. مقایسه عملکرد دو همسایه نشان می‌دهد که در سیاست خارجی، نه شعارهای مذهبی، بلکه رفتار واقعی دولت‌ها باید معیار قضاوت قرار گیرد.

مرز ایران و ارمنستان؛ خط قرمزی که معامله‌بردار نیست

موضوع مهم دیگر، آینده مرز مشترک ایران و ارمنستان است. مرزی که اگرچه طول زیادی ندارد، اما از نظر ژئوپلیتیکی ارزشی فراتر از مساحت جغرافیایی خود پیدا کرده است.

ارمنستان یکی از مسیرهای مهم صادرات و ترانزیت کالاهای ایرانی به قفقاز، گرجستان، دریای سیاه و بازار کشورهای عضو اتحادیه اقتصادی اوراسیاست. گذرگاه نوردوز نیز تنها اتصال زمینی مستقیم ایران به ارمنستان محسوب می‌شود. هرگونه اختلال در این مسیر، علاوه بر خسارت اقتصادی، می‌تواند قدرت مانور منطقه‌ای ایران را محدود و وابستگی کشور به مسیرهای ترانزیتی تحت تأثیر سایر بازیگران را افزایش دهد.

از همین رو، اجرای پروژه ترپ به هیچ عنوان نباید به قطع، محدودسازی یا اختلال در مرز ایران و ارمنستان منجر شود. اتصال جمهوری آذربایجان به نخجوان، در صورت رعایت حاکمیت و قوانین ارمنستان، موضوعی متفاوت از ایجاد یک دالان فرامرزی با اختیارات ویژه است.

شرکت خصوصی آمریکایی یا پوشش نفوذ اطلاعاتی؟

یکی دیگر از ابعاد نگران‌کننده طرح ترپ، واگذاری اختیارات توسعه و بهره‌برداری بلندمدت به ساختاری با سهام کنترلی آمریکایی است. واشنگتن تلاش دارد این حضور را در قالب فعالیت اقتصادی و سرمایه‌گذاری بخش خصوصی معرفی کند، اما پرسش اساسی آن است که آیا می‌توان پیامدهای امنیتی فعالیت شرکت‌های آمریکایی در نزدیکی مرزهای ایران را صرفاً با عنوان «فعالیت تجاری» نادیده گرفت؟

نباید اجازه داد عنوان شرکت خصوصی به پوششی برای فعالیت‌های اطلاعاتی و امنیتی آمریکا تبدیل شود. تجربه بهره‌گیری قدرت‌های بزرگ از زیرساخت‌های ارتباطی، فناوری و لجستیکی برای جمع‌آوری اطلاعات، ضرورت نظارت و حساسیت جدی نسبت به این مسئله را نشان می‌دهد.

موضع ایران تغییر نکرده است

با وجود تحولات اخیر، موضع اصولی جمهوری اسلامی ایران درباره قفقاز جنوبی تغییری نکرده است. تهران همچنان مخالف هرگونه تغییر در مرزهای بین‌المللی، خدشه به حاکمیت کشورها و حضور تهدیدآمیز نیروهای خارجی در مجاورت مرزهای خود است.

مقامات ارمنستان اطمینان داده‌اند که اجرای پروژه تریپ به تغییر مرزها منجر نخواهد شد، حاکمیت و اختیارات مرزی و گمرکی ایروان محفوظ می‌ماند و هیچ نیروی نظامی آمریکایی در محدوده پروژه مستقر نخواهد شد. با این حال، تجربه تحولات قفقاز نشان می‌دهد تضمین‌های سیاسی زمانی اعتبار واقعی دارند که با سازوکارهای حقوقی روشن، نظارت مستمر و امکان راستی‌آزمایی همراه شوند.

جمهوری اسلامی ایران باید ضمن تقویت روابط راهبردی با ارمنستان، توسعه زیرساخت‌های مرزی نوردوز، گسترش تجارت منطقه‌ای و تثبیت جایگاه خود در مسیرهای ترانزیتی، از هرگونه اقدامی که به تضعیف مرز مشترک دو کشور منجر شود جلوگیری کند.

واقعیت آن است که قفقاز جنوبی به میدان تازه‌ای برای رقابت قدرت‌های فرامنطقه‌ای تبدیل شده و آمریکا تلاش دارد از فرصت اختلافات تاریخی باکو و ایروان برای تثبیت نفوذ خود استفاده کند. در چنین شرایطی، ساده‌انگاری نسبت به ماهیت راهبردی پروژه تریپ می‌تواند هزینه‌های سنگینی برای امنیت ملی ایران داشته باشد.

پس از ناکامی جنگ ۴۰ روزه، دشمن برای تکرار سناریوی دی‌ماه با اتکا به سوءمدیریت دولت و نارضایتی‌سازی داخلی خیز برداشته است

موساد و سیا در تدارک کودتای جدید

مجموعه مواضع مقام‌های آمریکایی و اسرائیلی، گزارش رسانه‌های عبری و تحلیل اندیشکده‌های غربی نشان می‌دهد که پروژه تغییر نظام در ایران، پس از ناکامی در جنگ ۴۰ روزه، وارد مرحله‌ای پیچیده‌تر شده است؛ مرحله‌ای که در آن، فشار نظامی خارجی با تشدید نارضایتی داخلی، ناکارآمدی دولت و ایجاد اختلال در شریان‌های اقتصادی کشور پیوند می‌خورد تا آنچه با بمباران به دست نیامد، از مسیر فرسایش داخلی دنبال شود



محسن فرهمند
روزنامه‌نگار

نگاهی به مجموعه نشانه‌ها و موضع‌گیری‌ها در آمریکا، رژیم صهیونیستی و مراکز مطالعاتی آنها نشان می‌دهد که واشنگتن و تل‌آویو همچنان پروژه تغییر نظام در ایران را دنبال می‌کنند؛ با این تفاوت که پس از ناکامی در دستیابی به اهداف موردنظر خود در جنگ ۴۰ روزه، امید بیشتری به استفاده از ظرفیت‌های داخلی برای پیشبرد این پروژه بسته‌اند. در این میان، سوءمدیریت مفرط دولت مسعود پزشکیان، تشدید نارضایتی‌های اقتصادی و اجتماعی و حضور جریان غربگرا و چهره‌های برجامی در بخش‌هایی از ساختار اجرایی، فرصت مناسبی برای پیشبرد این راهبرد فراهم کرده است.

یکی از صریح‌ترین نشانه‌های این رویکرد را می‌توان در اظهارات ژنرال بازنشسته جک کین، جانشین ستاد نیروی زمینی ارتش آمریکا در دوران ریاست جمهوری بوش پسر، مشاهده کرد. او در گفت‌وگو با شبکه فاکس‌نیوز، با تأکید بر اینکه راه‌حل مطلوب واشنگتن تغییر نظام ایران است، درباره چگونگی تحقق آن گفت: «وقتی به رژیم ایران نگاه می‌کنید، آن‌ها قرار نیست تغییر کنند. واقعیت این است که بهترین راه‌حل این است که آن رژیم باید برود.» مجری از او پرسید چگونه می‌توان بدون اعزام نیروی زمینی به این هدف رسید. پاسخ کین صراحتاً نشان می‌داد که واشنگتن به دنبال استفاده از ظرفیت داخلی برای پیشبرد عملیات است: «ما قرار نیست نیروهای زمینی اعزام کنیم، اما یک نیروی زمینی وجود دارد و آن مردم ایران هستند.» او در ادامه مدعی شد مردم ایران می‌خواهند مسلح شوند و حاضرند برای تغییر نظام بجنگند و جان بدهند. کین سپس خواستار بازگشت به عملیات جنگی، سرکوب گسترده و محروم کردن ایران از همه دارایی‌های ارزشمندش شد تا کشور از نظر اقتصادی در شرایط به‌مراتب بدتری قرار گیرد و پس از آن، مردم برای تغییر نظام اقدام کنند. اما بخش تعیین‌کننده این گفت‌وگو، جایی بود که مجری درباره چگونگی تجهیز مردم سؤال کرد و کین پاسخ داد: «خب، ما نمی‌توانیم وارد جزئیاتش شویم، اما موساد و سیا هستند؛ دارند ده‌ها هزار نفر از آن‌ها را مسلح می‌کنند.»

تل‌آویو همچنان به دنبال جنگ است

در روزهای اخیر ترامپ از حمله به ایران پس از سال نو میلادی سخن گفت که فرصت کافی برای تدارک کودتایی دیگر را به آنان خواهد داد. در همین راستا، روزنامه «یدیعوت آحرونوت» دوشنبه دوم آذر گزارش داد که رژیم صهیونیستی همچنان دولت دونالد ترامپ را برای حمله به ایران تحت فشار قرار می‌دهد و پیشنهاد اجرای عملیاتی نظامی و گسترده به مدت چند روز را مطرح کرده است. هدف این عملیات، تضعیف توانمندی‌های نظام ایران و نزدیک کردن آن به مرحله فروپاشی عنوان شده. این روزنامه به نقل از مقام‌های اسرائیلی نوشت: «گزینه مطلوب بنیامین نتانیاهو، ایال زمیر، رئیس ستاد کل ارتش و رومان گوفمن، رئیس موساد، اجرای حمله با مشارکت آمریکاست. به گفته این مقام‌ها، آمریکایی‌ها اطمینان دارند اسرائیل به‌تنهایی اقدام نخواهد کرد و در صورت تصمیم به حمله، عملیات مشترک گزینه مناسب‌تری خواهد بود.»

در کنار این تحرکات نظامی، رسانه‌های اسرائیلی از جمله جروزالم پست، تایمز آو اسرائیل، اسرائیل هیوم و شبکه‌های ۱۲ و ۱۳، هر نوع نارضایتی در ایران را با حساسیت ویژه‌ای پوشش داده‌اند. برخی تحلیل‌های منتشرشده در رسانه‌هایی مانند پولیتیکو و گاردین نیز آشوب و درگیری داخلی در ایران را سناریویی قابل قبول برای نتانیاهو ارزیابی کرده‌اند؛ چراکه ایران ضعیف‌شده یا گرفتار فروپاشی داخلی، از نگاه تل‌آویو توان کمتری برای مقابله با تهدیدات اسرائیل خواهد داشت.

مدل ونزوئلا؛ کودتا بدون اشغال مستقیم

در این میان، تجربه ونزوئلا نیز در محاسبات واشنگتن اهمیت دارد. الگوی مورد اشاره، تغییر موازنه قدرت از طریق عملیات خارجی و همراهی عناصر داخلی است؛ الگویی که در آن، به جای اشغال مستقیم و پرهزینه، از ظرفیت‌های داخلی برای تحمیل نظم مطلوب آمریکا استفاده می‌شود.

پیت هگست، وزیر دفاع آمریکا، در ۱۸ نوامبر ۲۰۲۶ در کاراکاس، ونزوئلا را از یکی از تهاجمی‌ترین تهدیدهای منطقه‌ای به یک «شریک (برده) امنیتی مطیع» آمریکا توصیف کرد و گفت این کشور در مسیر بازسازی ارتش خود در کنار ایالات متحده قرار گرفته است. او عملیات ژانویه را پیچیده‌ترین عملیات نظامی منفرد در تاریخ آمریکای لاتین خواند که به تعبیروی، یک مشکل ۲۷ ساله را در چند ساعت حل کرده است.

ترامپ نیز در هفته‌های اخیر بارها از نفت ونزوئلا سخن گفته و این کشور را یک تملک «acquisitionl» جدید برای آمریکا خوانده است. او در مصاحبه‌ای مدعی شد آمریکا تاکنون میلیاردها دلار از ونزوئلا به دست آورده و هنوز میلیاردها دلار دیگر در راه است. ترامپ همچنین با اشاره به اینکه ارزش این دستاوردها ۵۰ برابر هزینه جنگ بوده، از منطق «غنایم به فاتح» سخن گفته است. این اظهارات، تصویری روشن از نگاه واشنگتن به مداخلات خارجی و نسبت آن با منافع اقتصادی آمریکا ارائه می‌کند.

از نسخه نفیو تا ترجمه پزشکیانی آن!

نکته قابل تأمل دیگر، پیوند این تحولات با نسخه‌های پیشین اندیشکده‌ای آمریکا برای مواجهه با ایران است. ریچارد نفیو، معمار تحریم‌های ضدایرانی، در مقالات خود به ترامپ توصیه کرده بود که از مشکلات مدیریتی و اقتصادی ایران برای ایجاد فشار داخلی استفاده کند و با فعال کردن دوگانه معروف «کره یا جنگ»، تهران را در موقعیتی قرار دهد که میان پذیرش خواسته‌های آمریکا و تحمل فشارهای فزاینده یکی را انتخاب کند. با کمال تأسف، آنچه حدود هشت ماه پس از طرح این توصیه‌ها در ادبیات سیاسی آمریکا مطرح شده بود، در برخی مواضع اخیر مسعود پزشکیان با ادبیاتی ساده‌انگارانه بازتاب پیدا کرده است. مسئله اینجاست که وقتی دولت به جای مدیریت مقتدرانه مشکلات، خود به عامل تشدید نارضایتی و انتقال پیام ضعف تبدیل شود، عملاً همان بستری را فراهم می‌کند که طراحان فشار خارجی برای آن برنامه‌ریزی کرده‌اند.

پایان مماشات با پروژه تسلیم

مسئله اصلی این است که کودتاچیان داخلی و طراحان خارجی، روی یک محاسبه مشترک حساب باز کرده‌اند: تشدید نارضایتی از طریق سوءمدیریت، ایجاد اختلال در زندگی اقتصادی مردم، فشار بر ساختار تصمیم‌گیری و در نهایت تحمیل عقب‌نشینی رهبر و نظام در برابر غرب. در چنین الگویی، هدف صرفاً تغییر یک مدیر یا اصلاح یک سیاست نیست؛ بلکه تغییر ماهیت انقلابی جمهوری اسلامی و تبدیل آن به ساختاری تسلیم‌پذیر در برابر آمریکا و رژیم صهیونیستی است. این پروژه را نمی‌توان با سیاست مماشات و اغماض ناکام گذاشت. همان‌گونه که امام خمینی (ره) در سال‌های نخست انقلاب، به‌ویژه در ماجرای عزل بنی‌صدر، در برابر انحرافات و تهدیدهای داخلی قاطعانه ایستادند، امروز نیز صیانت از دستاوردهای انقلاب نیازمند مرزبندی روشن، برخورد قانونی و قاطع با خیانت و نفوذ و تفکیک دقیق اعتراض مشروع مردم از پروژه سازمان‌یافته بی‌ثبات‌سازی است.

جمهوری اسلامی با حذف یک شخصیت یا فقدان یک مسئول، از هویت و ماهیت خود دست نمی‌کشد. تصور اینکه فشار اقتصادی، جنگ روانی و سوءمدیریت بتواند اراده نظام را برای تسلیم تغییر دهد، محاسبه‌ای خطرناک است. آنچه باید پیش از تبدیل شدن این سناریو به بحران مهار شود، پیوند میان ناکارآمدی اجرایی، فرصت‌طلبی سیاسی و پروژه فشار خارجی است؛ چراکه دشمن این بار می‌خواهد دستاوردی را که در میدان جنگ به دست نیاورد، از مسیر فرسایش از درون به دست آورد.

از جنگ خارجی تا پروژه تغییر از درون

ژنرال بازنشسته آمریکایی، جک کین، در گفت‌وگو با فاکس‌نیوز صراحتاً از مسلح‌سازی مردم ایران توسط موساد و سیا سخن می‌گوید. همزمان، یدیعوت آحرونوت از فشار نتانیاهو برای حمله چندروزه به ایران خبر می‌دهد و رسانه‌ها و محافل مطالعاتی غربی نیز تحولات داخلی ایران را با عینک تغییر نظام دنبال می‌کنند؛ مجموعه‌ای که از پیوند عملیات نظامی، جنگ اقتصادی و پروژه بی‌ثبات‌سازی داخلی حکایت دارد.

یادداشت

محاصره‌شکنی زیر سایه تعلل و ابهام

پدرام حسینی
روزنامه‌نگار

انتشار خبرهایی درباره حمله به یک نفتکش ناشناس در نزدیکی چابهار و در محدوده خط محاصره دریایی آمریکا علیه ایران، بار دیگر مسئله محاصره‌شکنی و مواجهه با این سناریو را به کانون توجه افکار عمومی آورده است. البته درباره اصل حادثه، ابعاد آن و صحت‌وسقم روایت‌های منتشرشده باید تا روشن شدن اطلاعات بیشتر صبر کرد و از داوری شتاب‌زده پرهیز داشت. اما آنچه در این میان نمی‌توان از کنار آن گذشت، وضعیت آشفته اطلاع‌رسانی در داخل کشور و تبدیل یک ظرفیت امیدبخش به منشأ ابهام و سرخوردگی است.

در همین فضا، انتشار اخباری درباره حرکت گروهی از نفتکش‌ها پس از بارگیری در جزیره خارک، موجی از شور و حمایت عمومی را برانگیخت. جامعه‌ای که محاصره‌شکنی را نه یک ماجراجویی، بلکه ضرورتی برای صیانت از منافع ملی و شکستن اراده تحمیلی آمریکا می‌داند، از چنین اخباری استقبال کرد. افکار عمومی با این تصور که کشور برای عبور از محاصره عزم جدی دارد، به میدان حمایت آمد؛ اما بار دیگر تعلل رسانه‌ای، فقدان اطلاع‌رسانی دقیق و بلاتکلیفی درباره صحت خبر، همان موج امید را در معرض تبدیل شدن به سرخوردگی قرار داد. این وضعیت، به‌ویژه با عملکرد ضعیف برخی از خبرگزاری‌های مطرح کشور، به مسئله‌ای با پیامدهای سیاسی و امنیتی تبدیل شده است.

نکته مهم‌تر آنکه انتشار گمانه‌زنی‌های مربوط به محاصره‌شکنی، برخلاف آنچه احتمالاً در محاسبات دشمن انتظار می‌رفت، نه‌تنها هراس عمومی ایجاد نکرد، بلکه با استقبال جامعه مواجه شد. مردم از اصل ایستادگی و شکستن محاصره استقبال می‌کنند؛ آنچه اعتماد عمومی را فرسوده می‌کند، سکوت و تعلل دستگاه‌های مسئول و رها کردن میدان روایت به دست رسانه‌های خارجی است. این همان مشکلی است که طی دو سال گذشته و به‌خصوص در ۹ ماه پس از جنگ ۳۹ روزه، بارها خود را نشان داده است: ابتدا دشمن با اخبار ضدونقیض و عملیات روانی فضای رسانه‌ای را تصرف می‌کند، سپس اخبار امیدبخش داخلی در ابهام فرو می‌روند و سرانجام، پس از شکل‌گیری هزینه‌های روانی و سیاسی، یک مقام در وزارت خارجه، شورای عالی امنیت ملی یا دولت به فکر تأیید یا تکذیب می‌افتد. بازدارندگی صرفاً در اختیار داشتن توان نظامی نیست. یکی از ارکان اساسی آن، وجود ظرفیت تبدیل توان بالقوه به تهدید بالفعل، اعلام صریح و رسمی آن، شکل‌گیری ادراک معتبر از این تهدید در محاسبات دشمن و در نهایت منصرف کردن او از اقدام خصمانه است. وقتی تهدید به خوبی اعلام نمی‌شود یا به واسطه این ضعف رسانه‌ای و موضع‌گیری اراده اجرای آن در ذهن طرف مقابل شکل نمی‌گیرد، عملاً بخشی از بازدارندگی پیشاپیش از دست رفته است.

نمونه روشن این مسئله، تهدید خروج از پیمان منع گسترش سلاح‌های هسته‌ای (ان‌پی‌تی) است؛ تهدیدی که حتی پس از ترور رهبر شهید نیز به مرحله اجرا نرسید و امروز در محاسبات بین‌المللی با تردید مواجه شده است. وقتی دشمن بارها اعلام تهدید را می‌شنود اما نشانه‌ای از اقدام متناسب نمی‌بیند، طبیعی است که آن را بخشی از ادبیات مصرفی سیاست خارجی تلقی کند.

محاصره‌شکنی نیز از همین جنس است. اگر قرار است ایران در برابر محاصره آمریکا بایستد، نباید اجازه داد ابهام رسانه‌ای جای اراده ملی را بگیرد. نمی‌توان از مردم انتظار حمایت از راهبرد مقاومت داشت، اما میدان روایت را با سکوت و تعلل به دشمن واگذار کرد. بازدارندگی با تهدیدهای بی‌پشتوانه ساخته نمی‌شود و محاصره‌شکنی نیز با خبرهای مبهم و تکذیب‌های دیرهنگام پیش نمی‌رود. دشمن باید هم توان ایران را ببیند، هم اراده آن را باور کند؛ و این باور، بدون اطلاع‌رسانی مقتدرانه و مسئولانه شکل نمی‌گیرد.

نوبنیاد

■ صاحب امتیاز: محسن منصوری
■ مدیرمسئول: حمیدرضا بیانی
■ تلفن: ۸۸۴۹۹۳۷۲-۰۲۱
■ کدپستی: ۱۵۹۸۹۷۵۷۱۵
■ آدرس: خ سپهبد قرنی خ شاداب پلاک ۲۲ واحد پنج
■ چاپخانه: صمیم

nobonyadonline nobonyadonline

nobonyadonline.ir

یادداشت

امیرخانی؛ روایتگر شریف ایمان و هویت ملی

وحید ناظری
روزنامه‌نگار

رضا امیرخانی، نویسنده برجسته ادبیات داستانی ایران، صبح دوشنبه دوم آذرماه ۱۴۰۵ درگذشت. او پس از نزدیک به یک سال تحمل عوارض ناشی از سقوط پاراگلایدر در منطقه مشاء دماوند و آسیب شدید مغزی، سرانجام در ۵۳ سالگی چشم از جهان فروبست. خبر درگذشت او را خانواده‌اش اعلام کردند تا جامعه ادبی ایران با فقدان یکی از مهم‌ترین داستان‌نویسان پس از انقلاب روبه‌رو شود.

امیرخانی از نویسندگانی بود که هویت فکری و فرهنگی خود را در پیوند با انقلاب اسلامی تعریف می‌کرد. اهمیت او برای ادبیات انقلاب در این بود که به سراغ زندگی آدم‌هایی رفت که ایمان، خانواده، سنت، دفاع مقدس و تعلق به سرزمین در شکل‌گیری شخصیتشان نقش داشت. او می‌دانست مخاطب جوان برای خواندن داستانی درباره ارزش‌های دینی و انقلابی به زبان زنده و شخصیت‌های باورپذیر نیاز دارد.

نخستین رمان او، «ارمیا»، از همین منظر اهمیت دارد. داستان جوانی که پس از تجربه جبهه با جامعه پس از جنگ مواجه می‌شود، فرصتی برای پرداختن به سرنوشت نسل دفاع مقدس و نسبت آرمان‌های آن با زندگی روزمره فراهم می‌کند. «منِ او» نیز از مهم‌ترین آثار اوست. امیرخانی در این رمان با بازسازی تهران قدیم، مناسبات خانوادگی، عشق، دینداری و فرهنگ مذهبی را در تار و پود یک داستان عاشقانه جای داد.

«داستان سیستان» از دیگر آثار مهم اوست که حاصل همراهی با سفر رهبر شهید انقلاب به سیستان و بلوچستان در سال ۱۳۸۱ است. این کتاب از جهت ثبت تصویری از رابطه رهبری و مردم و توجه به مناطق کمتر برخوردار کشور اهمیت دارد. «جانستان کابلستان» نیز با روایت سفر به افغانستان، پیوندهای تاریخی، زبانی و فرهنگی جهان فارسی زبان را به مخاطب یادآوری کرد.

در کارنامه امیرخانی آثاری چون «بیوتن»، «قیدار»، «از به»، «ره‌ش»، «نفحات نفت» و «نشت نشا» نیز دیده می‌شود. او در کنار علاقه به آرمان‌های انقلاب، نسبت به ضعف مدیریت، اشرافی‌گری، بوروکراسی و فاصله مسئولان از مردم منتقد بود. همین روحیه مطالبه‌گرانه به نوشته‌هایش امکان می‌داد از محدوده‌های رایج فراتر بروند.

امیرخانی در میان دانشجویان و نسل جوان خوانندگان جایگاه ویژه‌ای داشت. استقبال از «منِ او»، «ارمیا» و «بیوتن» نشان داد که ادبیات متعهد می‌تواند در رقابت با جریان‌های پرزرق‌وبرق فرهنگی، مخاطب جدی و گسترده پیدا کند. او از نویسندگانی بود که جوانان را به خواندن رمان ایرانی علاقه‌مند کرد. میراث او برای ادبیات انقلاب، تجربه‌ای ارزشمند در پیوند زدن ایمان، هویت ایرانی و داستان‌گویی حرفه‌ای است.

رسانه‌های غربگرا با هدف تخریب نمادها و عرف فرهنگ ملی، ساترا را زیر ضرب گرفته‌اند

حمله به سنگر فرهنگ

جمعه، ۲۹ آبان بود که روابط عمومی پلتفرم فیلیمو اعلام کرد کرد انتشار قسمت ششم سریال «سرخ و سیاه» به دلیل حجم گسترده اصلاحات اعلامی ساترا و زمان‌بر بودن فرآیند اعمال و نهایی‌سازی به وعده همیشگی ۸ صبح نمی‌رسد. از سوی دیگر، انتشار سریال «یل» هم به علت برخورداری از محتوای مغایر با عفت و اخلاق عمومی متوقف شد. البته اینطور به گوش می‌رسد که یل هم پس از مرتفع کردن موانع مانند سرخ و سیاه می‌تواند در سکوی مورد نظر قرار بگیرد. البته مسئله صرفا درگیری ساده و گذرا نیست و نوع و شکل مواجهه ساترا و پلتفرم‌ها حکایت از ماجرایی دیگر دارد. ساترا یک نماد تنظیم‌گر حاکمیتی است که مطابق با اصل ۴۴ قانون اساسی و نظریه تفسیری شورای نگهبان و نیز براساس ابلاغیه مورخ ۹۴/۰۶/۲۲ به ریاست جمهور تشکیل شده است و مولای درزش نمی‌رود. اما حرف حساب سازندگان آثار و صاحبان شبکه نمایش خانگی چیست که سعی دارند با سانتی‌مانتال کردن فضا، ساختار فرهنگی جمهوری اسلامی را به سود صاحبان زر و زور و تزویر تغییر دهند؟



مسعود حنیفی
روزنامه‌نگار

شبکه نمایش خانگی برخلاف آنچه در فضای مجازی منعکس می‌شود، در خلوت هر ایرانی نقش مهم و نامیرایی ایفاء نمی‌کند. به بیان دیگر، مخاطب هدف پلتفرم‌ها برخلاف صداوسیما که در هر خانه حضوری مستمر و مداوم دارد، اندک و دستچین‌شده است و در معدود موارد از چند میلیون کاربر تجاوز می‌کند. در نتیجه آثار این سکوها برای دیده شدن نیازمند ایجاد جاروجنجال فراوانند؛ به‌طوریکه اگر این رویه را پیش نگیرند، به احتمال خیلی زیاد از دور خارج و فراموش می‌شوند. در این زمینه کافی است به نمونه سریال «کنکل» توجه کنید که بدون هیچ سروصدایی تنها به ظرفیت درونی خود برای جلب بیننده اهمیت می‌دهد و همین مسئله هم باعث تحویل نگرفتنش توسط جامعه آماری مورد نظر شده است.

مسئله‌ای که سازندگان سریال «سرخ و سیاه» به خوبی از آن آگاه شدند و در همان قسمت‌های نخست با پا گذاشتن برروی معیارهای اخلاقی، شرعی و عرفی از ایده نخ‌نمای بازی با ممیزی سود بردند. برای روشن شدن ماجرا بد نیست بدانید که درآمد ۱۳ هفتی نمایش خانگی در سال ۱۴۰۳ برخلاف وی‌اودی‌های شاخص جهانی مانند نتفلیکس، اپل تی‌وی و... به فروش ترافیک اینترنت و تبلیغات وابسته است و در این میان حق اشتراک سهم ناچیزی را به خود اختصاص می‌دهد. پس پرواضح است که وقتی پلتفرم پشت نقاب مظلومیت سانسور و... قرار می‌گیرد چه اهدافی را دنبال می‌کند. مدیران و اقتصاد سیاسی‌ای که پشت پلتفرم‌ها قرار داد به خوبی می‌داند که توقیف همیشگی نیست و انرژی‌ای که بعد از پخش دوباره اثر مورد نظر (در اینجا سرخ و سیاه) توسط کاربران آزاد می‌شود تماما سود و درآمد است. در نتیجه رخ دادن این اقدامات چندان عجیب و غریب نبوده و متاسفانه کاملا طبیعی به نظر می‌آید. بر این مبنا وقتی «آیدا پناهنده» می‌گوید دیگر دست به تولید سریال نمی‌زند، می‌داند که با این گفته وجدان مخاطبش را تکان می‌دهد تا او اگر پیش از این اشتراک نخریده و مجموعه را ندیده، بعد از رفع محدودیت این کار را انجام دهد و دینش را به کارگردان «تی‌تی» و «ناهید» اداء کند. درصورتیکه نگاه ساترا به مسئله تنظیم‌گری احصاء‌شده و سروشکل‌دار است و نمی‌توان آن را با ادعای همیشگی مبنی بر رفتارهای سلیقه‌ای مدیران ممیزی در گذشته مقایسه کرد. این نکته را نیز نباید از یاد برد که لمس نامحرم، استفاده مکرر و بی‌پرده از دیالوگ‌های مستهجن و... از مواردی به‌شمار می‌آیند که هرکس قدری در فضای تلویزیون و شبکه نمایش خانگی حتی در نقش مخاطب زیست کرده باشد، می‌داند که این مسائل جزو نبایدهاست و همه به آن آگاه هستند.

به بیان دیگر، هیچ فیلمساز و سرمایه‌گذاری در حوزه سرگرمی و هنر نمی‌تواند بگوید من در جریان ممنوعه‌ها نبودم. بر این اساس، هر فردی که در این مسیر گام برمی‌دارد، قصد و منظوری دارد و آیدا پناهنده، برادران محمودی و... سکوهای مورد نظر با اهداف از پیش تعیین شده و نقشه راه مشخص با ممیزی گلاویز می‌شوند. اما ترافیک اینترنت و حق اشتراک فرع قضیه است و اصل ماجرا را باید در محدود کردن نهادهای حاکمیتی و بی‌اثر کردن رای و نظر آن‌ها در ساخت فرهنگی جمهوری اسلامی خلاصه کرد. فرهنگ هم مانند دیگر ارگان نظام مورد حمله جریان وفاق قرار گرفته و باید نمادهای آن یکی پس از دیگری تحت شدیدترین حملات قرار بگیرند. یک روز کنترل اقتصاد از ید دولت خارج می‌شود و روز دیگر با ایجاد بلوا خواهان قطع فوری دوران مدیریت پیمان جبلی بر رسانه ملی هستند. در واقع حمله به ساترا نیز حلقه دیگری از زنجیره پروژه جریان‌هایی است که به‌مظنور بسط و در اختیار گرفتن تام و تمام قدرت از هر تلاشی دریغ نمی‌کنند.

یادداشت

صورتی‌بازی با «شادمهر» ناکام ماند

سعید مصباح
روزنامه‌نگار

اجرای دوباره ترانه «گل یاس» از سوی شادمهر عقیلی چندی پیش موجی از گمانه‌زنی‌ها را درباره احتمال بازگشت او به ایران به راه انداخت. این اتفاق با استقبال و ذوق‌زدگی رسانه‌های موسوم به وفاقی همراه شد؛ رسانه‌هایی که ظاهراً از هر نشانه‌ای برای ساختن روایت بازگشت چهره‌های خارج‌نشین استقبال می‌کنند. با این حال، اظهارات شادمهر در کنسرت پاریس و اعلام حمایت صریح او از رضا پهلوی، به این گمانه‌زنی‌ها پایان داد و نشان داد که خوش‌بینی این رسانه‌ها تا چه اندازه شتاب‌زده و دور از واقعیت بوده است.

مسئله نخست، عملکرد رسانه‌هایی است که بدون بررسی مواضع سیاسی و اجتماعی افراد، از کوچک‌ترین اتفاقی برای تولید روایت‌های تبلیغاتی استفاده می‌کنند. آیا بازخوانی یک ترانه قدیمی به معنای تمایل به بازگشت به ایران است؟ آیا صرفاً اجرای اثری خاطره‌انگیز می‌تواند نشانه تغییر نگرش سیاسی یک خواننده باشد؟ رسانه‌هایی که با چنین سطحی از تحلیل به استقبال این ماجرا رفتند، بار دیگر نشان دادند که بیش از واقعیت، به دنبال تحقق آرزوهای رسانه‌ای و سیاسی خود هستند.

ظاهراً برای این جریان، حتی یک اجرای موسیقی هم می‌تواند بهانه‌ای برای جشن گرفتن دستاوردهای خیالی باشد. اما موضع شادمهر عقیلی نیز به‌شدت قابل نقد است. او سال‌ها از محبوبیت و سرمایه اجتماعی خود در میان ایرانیان بهره برده و بخش مهمی از جایگاهش را مدیون مردمی است که با ترانه‌هایش خاطره دارند. با این حال، اکنون با اعلام حمایت از رضا پهلوی، عملاً موضع سیاسی خویش را در کنار جریانی قرار داده که مدعی نمایندگی آینده ایران است. شادمهر باید بداند که محبوبیت گذشته، برای هیچ‌کس مصونیت سیاسی و اجتماعی ایجاد نمی‌کند و مردم حق دارند درباره انتخاب‌های او قضاوت کنند.

حمایت از یک چهره سیاسی، حق شخصی هر فرد است؛ اما این حق به معنای مصون ماندن از نقد نیست. نمی‌توان از یک سو از احساسات و دلبستگی ایرانیان به آثار قدیمی بهره برد و از سوی دیگر، در بزنگاه سیاسی پشت جریانی ایستاد که درباره گذشته و آینده آن پرسش‌های جدی وجود دارد. در واقع، ایران به شادمهر عقیلی و امثال او که پشت چهره‌های مورد حمایت رژیم صهیونی و آمریکا پنهان می‌شوند و از سرمایه عاطفی مردم برای پیشبرد مواضع سیاسی خود استفاده می‌کنند، نیازی ندارد. این سرزمین متعلق به مردم ایران است، نه خانواده فاسد و منحوس پهلوی و نه هیچ جریان دیگری. درنهایت باید گفت که وطن را نمی‌توان با شهرت، کنسرت و شعارهای سیاسی نمایندگی کرد و احترام به ایران، پیش از هر چیز، احترام به مردم و حق تعیین سرنوشت آنان است.

دکتر گلشنی که بود و چه کرد؟



خبر درگذشت دکتر مهدی گلشنی در ۳۰ آبان ۱۴۰۵، پایان زندگی یکی از چهره‌های برجسته و در عین حال بحث‌برانگیز دانشگاهی ایران بود؛ فیزیکدانی که از پژوهش در حوزه ذرات بنیادی به مباحث فلسفه علم، گفت‌وگوی علم و دین و سیاست‌گذاری فرهنگی راه یافت. نام او با تأسیس گروه فلسفه علم در دانشگاه صنعتی شریف، نظریه علم دینی، نقد وضعیت علوم انسانی و مناقشه‌های فکری چند دهه اخیر، از جمله جدال با عبدالکریم سروش، پیوند خورده است.

گلشنی اول بهمن ۱۳۱۷ در اصفهان متولد شد. علاقه‌اش به ادبیات، زبان عربی، منطق و فلسفه، از همان دوران نوجوانی در کنار گرایش به علوم پایه شکل گرفت. او پس از دریافت کارشناسی فیزیک از دانشگاه تهران در سال ۱۳۳۹، راهی دانشگاه کالیفرنیا، برکلی شد و در سال ۱۳۴۸ دکترای فیزیک گرفت. یک سال بعد به ایران بازگشت و فعالیت دانشگاهی خود را در دانشگاه صنعتی شریف آغاز کرد.

او در دو دوره ریاست دانشکده فیزیک، از جمله سال‌های ۱۳۵۲ تا ۱۳۵۴ و ۱۳۶۶ تا ۱۳۶۸، در توسعه آموزش عالی و تحصیلات تکمیلی نقش داشت. پس از انقلاب، گلشنی در ساختارهای تخصصی ستاد انقلاب فرهنگی و تدوین برخی مقررات دانشگاهی مشارکت کرد؛ هرچند عضو ستاد اولیه هفت‌نفره انقلاب فرهنگی نبود. کارنامه او آمیزه‌ای از فعالیت علمی، مدیریت دانشگاهی و مداخله در مناقشات فلسفی و فرهنگی ایران بود.